

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

اخبار داخلی - شماره ۶ (دوره پنجم) - شهر بورماہ ۱۳۵۱



شرقیایی به حضور شهبانو

● علیاحضرت شهبانو روز ۲۸ مردادماه اعضای هیئت امنای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رادر کاخ سعدآباد بحضور پذیرفتند. در این شرقیایی گزارش مربوط به ترازنامه سال گذشته کانون بعرض رسید و مورد تصویب قرار گرفت

کانون امیدوار است همانگونه که قطعنامه‌ی کتابداران یادآور گردید. در ظرف یکسال آینده روشن شدن خط مشی‌ها و دستیابی به دفاتر آسانتر شده و اعضاء کتابخانه‌ها از این نتایج مفید بهره ببرند.

سمینار کتابداران روز بیست و سوم شهریورماه طی مراسمی در کتابخانه‌ی پارک نیاوران پایان یافت

برنامه‌ی که برای این مراسم در نظر گرفته شده بود، از این قرار بود:

- بازدید از نمایشگاه فعالیت‌های شهرستان و روستا.

- قرائت قطعنامه کتابداران کتابخانه‌های شهرستان

- قرائت قطعنامه‌ها و نظرات گروه‌های شرکت کننده در سمینار کتابخانه‌های روستایی.

- نمایش اسلاید از فعالیت کتابخانه‌ها.

- بیانات سرکار خانم امیرارجمند مدیرعامل، و خانم‌های سمینار.

آموزش از طرف شرکت کنندگان پاسخ داده شد.

اجرای نمایشنامه‌ی ترب از مرکز تأترو نمایش فیلمهای رهائی و پسر و ساز و پرونده از مرکز سینمایی، اجرای چند قطعه موسیقی بکمک ارکسترهای کتابخانه‌های کودک تهران گفتگوهای فراوان بدنبال داشت و قطعاً در شناخت خط مشی همکاران شهرستانی در ارائه برنامه‌های هنری مؤثر خواهد بود.

کتابداران کتابخانه‌های شهرستان از کتابخانه‌های شماره ۱۷، ۸، ۴ بازدید بعمل آوردند و نمایشگاهی از کارهای خود در کتابخانه‌ی نیاوران تشکیل دادند.

مر بیان نقاشی کتابخانه‌های شهرستان نیز همزمان با شروع سمینار کتابداران ضمن آشنائی با شیوه‌های جدید نقاشی ببازدید کتابخانه‌ها پرداختند. مدت توقف مر بیان نقاشی سه روز بود که روز اول مصروف آشنائی ایشان با مسائل اداری و مالی و تدارکاتی گردید.



● خانم لیلی امیرارجمند در مراسم افتتاح سمینار

گزارشی از

سمینار کتابداران کتابخانه‌های شهرستان

(۱۸ تا ۲۳ شهریور ۱۳۵۱)

● سومین سمینار سالانه کتابداران شهرستان از هجدهم تا بیست و سوم شهریورماه ۱۳۵۱ در آمفی تاتر کتابخانه‌ی کودک شماره ۱۳ تهران (نیاوران) با حضور کتابداران پنجاه و یک کتابخانه کودک شهرستان تشکیل شد. در این سمینار نود و نه نفر کتابدار کتابخانه‌های مذکور حضور بهم رساندند.

پس از بیانات خانم لیلی امیرارجمند مدیرعامل کانون بر نامه‌عادی سمینار آغاز شد و اهم مطالب مورد گفتگو چنین بود: بحث در موضوع طبقه بندی مشاغل، طرح مربوط بتعیین مسئولیتها و وظایف و خط مشی جدید کانون در زمینه‌ی امور اداری، مالی و تدارکاتی.

تکنیک کار کتابداری و بررسی کتابنامه‌ی که جدیداً از جانب کانون چاپ و انتشار یافته است. چگونگی اجرای برنامه‌های چون معرفی شخصیت و کتاب. آموزش کتابداران، که در این قسمت پرسشنامه‌های مرکز

متن بیانات سرکار خانم امیرارجمند

در مراسم افتتاحیه‌ی سمینار کتابداران

شهرستانها و روستاها

سومین سمینار سالانه کتابداران و کارکنان کتابخانه‌های شهرستان و روستا در شرایطی جدید آغاز بکار میکند. در یکسال گذشته کانون بیش از پیش به سبب فعالیت‌های سازنده اش بعنوان یک عامل مثبت و پیشرو در ارتقاء سطح فرهنگ و دانش کودکان و نوجوانان شناخته شده و باردیگر این کوششها در خارج و داخل کشور مورد توجه همگان قرار گرفت.

در یکسال اخیر تعداد کتابخانه‌های روستایی به ۸۰۰ و کتابخانه‌های ثابت شهرستان به ۵۲ رسید که در مقایسه با تعداد کتابخانه‌ها در شهریور سال ۱۳۵۰ افزایش قابل ملاحظه‌ای پدید آمده است.

این افزایش در کتابخانه‌های روستایی ۵۴۰ و در کتابخانه‌های ثابت شهرستان برقم ۱۳ بالغ میشود.

روستاها

در ۱۵ روز گذشته چند کتابخانه در شهرستانها گشایش یافت و تا پایان سال ۱۳۵۱ تعداد کتابخانه‌های ثابت تهران و شهرستان به بیش از ۹۰ عدد خواهد رسید.

نکته‌ای بکوششهای همه‌جانبه کانون این پرسش را بدنیال دارد که کارکنان بویژه کتابداران چگونه بر سالت‌خطیر خود می‌اندیشند.

سمیناری که امروز گشایش می‌یابد برای رسیدن بچنین هدفی است. در بررسیهای آماری باین نتیجه رسیده‌ایم که نسبت جذب کودکان و نوجوانان در شهرهای بزرگ حدود ۱۰٪ و در شهرهای کوچک این میزان به ۹۰٪ ارتقاء می‌یابد. در تحلیل این نسبت معکوس باین نتیجه راهبر می‌شویم که رجوع داوطلبانه اعضاء بکتابخانه بیش از هدایت و ارشاد مریبان آموزشی و کتابداران موثر است.

عده زیادی از کودکان و نوجوانان شهرهای بزرگ با داشتن اماکن تفریحی و دوری راه‌ها و ناشناس ماندن کتابخانه‌ها و اشتغالات دیگر هنوز بکتابخانه‌ها راه نیافته‌اند. تجربه چندساله اخیر نشان می‌دهد که شوق و پشتکار کتابدار در کتابخانه‌های خارج از تهران عامل اساسی موفقیت کتابخانه بوده است.

علیرغم مشکلاتی که در تماس مستمر کتابداران با کودکان و نوجوانان و مقامات مسئول محلی حاصل میشود، فقط خود کتابداران هستند که برای پیشبرد کار خود پیگیر و کوشا باشند.

در بررسی بویای مسئله، راهیابی نقش کتابداران در ساختن محیط مناسبتر و جذب بیشتر کودکان و نوجوانان شایان توجه است. نقطه عزیمت چنین نقشی جز دلپستی کتابدار بکارش چه میتواند باشد؟ در این رهگذر بدانائی و توانایی کتابدار که ملازم یکدیگرند برخورد میکنیم.

دانا باشد و بداند چه میکند و چه میخواهد. توانا باشد تا اسباب دانایی فراهم شود.

سمینارهای گذشته در بر آوردن چنین هدفی مؤثر بسود بسیاری از مشکلات شناخته و حل شد. در این بررسیها تا جائیکه در ارتباط با وظایف اداره مرکزی کانون و در حل مشکلات و فراهم ساختن تواناییهای بیشتر بوده اقدامات لازم بعمل آمده است.

برنامه آموزش کتابداران در مدت این یکسال تجربهات ارزشمندی ببار آورد.

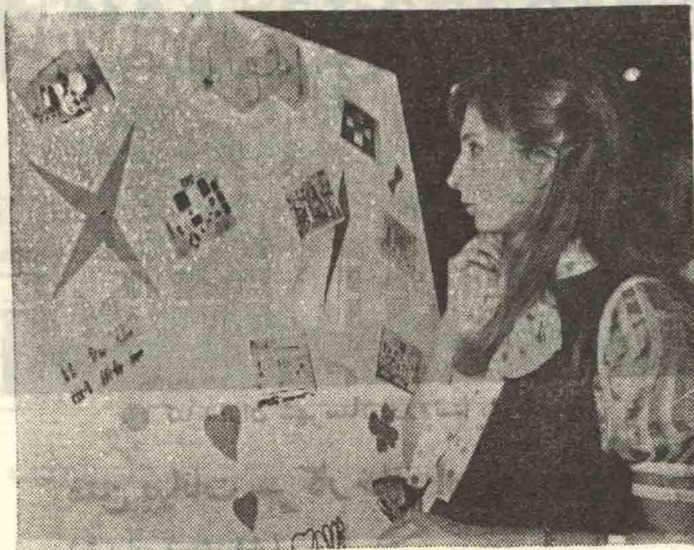
این مرکز سعی فراوان داشته است تا برکنار از درگیری با قالیهای فرسوده آموزشی، بنیانگذار و ادامه دهنده آموزشی با محتوا و اشکلی سازنده باشد تا بکار کتابخانه و کتابدار مفید واقع شود. آموزشی با این کیفیت قطعا دستاوردهای فرهنگی کتابداران را وسعت مپبخشد.

در تعمیم امر کتابخوانی پیش بینی شده که کتابهای انتشار یافته کانون بقیمتهای ارزان تهیه و بمقدار زیاد در اختیار کتابخانه‌های روستائی قرار گیرد.

و همچنین تهیه پروژکتور نمایش فیلم بمیزان کافی و تکثیر فیلمهای ساخته کانون این امکان را فراهم می‌سازد که در هر کتابخانه کبچینه‌ای از آثار ارزنده هنر سینما برای استفاده کودکان و نوجوانان در معرض استفاده قرار گیرد.



● خانم امیر ارجمند در نمایشگاه فعالیت‌های کتابداران شهرستان وروستا



آموزش موسیقی و تئاتر در سال گذشته بنحوی جدی آغاز و گسترش یافت و بدین منظور گروهی از تهران عازم شهرستانها شدند تا کودکان و نوجوانان شهرستانی از حاصل فعالیت‌های انجام یافته در تهران آشنا شوند.

رفع نواقص ساختمانی و تأسیساتی کتابخانه‌ها همراه بوده (ورق بز نهد)



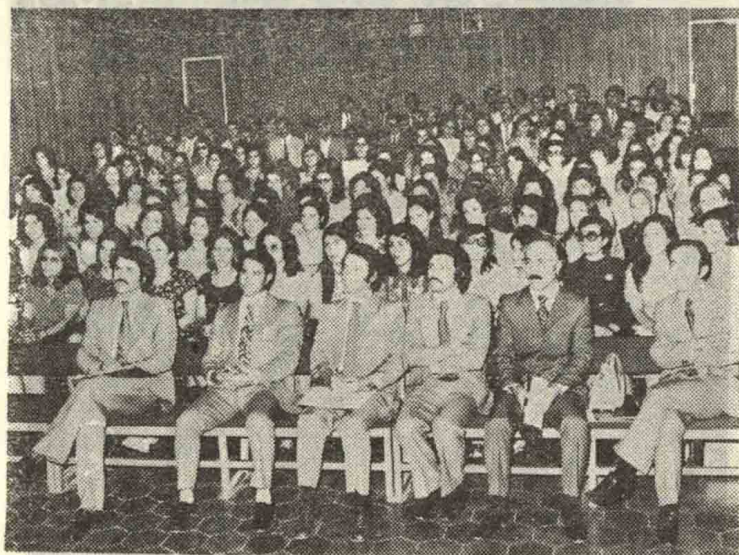
● جلسه‌ی سمینار کتابداران وروستا در پارک فرح

از يك گزارش گروه نمایش کانون در جشن هنر شیراز

... فرصتی بود که برنامه‌های کارگاه نمایش کانون را در جشن هنر شیراز به اجرا در آوریم. پس از ورود به شیراز، نخست تسهیلاتی را که در دو کتابخانه شیراز در دسترس ما بود، مورد بررسی قرار دادیم، و بلافاصله برنامه‌های خود را طرح ریختیم، سپس فهرستی از برنامه‌ها را برای آگاهی شرکت کنندگان در جشن هنر، در اختیار آقای فرخ غفاری

گذاشتیم. در این برنامه، هنرمندان و معلمان را به دو گروه تقسیم کردیم، و برای هر یک از کتابخانه‌ها سه نفر از آنها تعیین شدند. این عمل فرصتی بود که یک گروه تعلیمی تجربی در اختیار داشته باشیم. برای نمونه باید گفت که در کتابخانه‌ی شماره‌ی ۲ بعضی از اعضای کارگاه‌های نمایش، کودک بودند، در حالی که در جای دیگر جزء نوجوانان بشمار می‌آمدند. به این ترتیب کارگاه‌های نمایشی را تقسیم بندی کردیم، و گروه نوجوانان به‌مراه تعلیم دهنده‌ی مخصوص خود جهت انجام کارهای پیشرفته‌تر، در قسمت دیگر هدایت و آماده می‌شدند. در طی این جلسات، توضیحاتی راجع به نمایش‌هایی که روز قبل اجرا شده بود، و همچنین درباره‌ی

لحظه‌ای که کتابدار کانون رسالت خود را احساس کرد و خود را بایک کارمند عادی در یک سطح قرار نداد و از دایره عادات معموله روزانه دیگران خارج شد خواهد توانست به هدفهای کانون جامه عمل بپوشاند. امیدوارم سمینار امسال همه ما را به این هدف نزدیکتر سازد.



● کتابداران شهرستان و روستا در سمینار

متن بیانات سرکار خانم امیر ارجمند

(بقیه از صفحه‌ی قبل)

است با کمک‌های بیدریغ وزارت کشور که امکانات مالی فراوان در اختیار کانون گذاشته است.

ابداع شیوه‌های تازه در ایجاد ارتباط با کودکان و نوجوانان شهرها و روستاها و برکنار نگاه داشتن کتابداران و کارکنان کتابخانه‌ها از درگیریهایی مستمر اداری و مالی و تدارکاتی کوشش فراوان در تأمین رفاه کتابداران و سایر کارکنان و کارگران، پیاده کردن سیستم طبقه بندی مشاغل، تعیین دقیق مسئولیتها و اختیارات ارزیابی کارها، همه و همه نوید آینده بهتر و امکانات بیشتر است.

تذکار این نکته را لازم میدانم که کانون موضوع رفاه کارمندان و کارگران را با دقت مورد پیگیری قرار میدهد و چنانچه گاهی نتیجه مطلوبی عاید نمیشود بهمه سایر مقامات مسئول است که امیدواریم این کوششها بی‌ثمر نماند.

در سمینار امسال مسائل مطرحه در ارتباط نزدیکتر با وضع کتابخانه‌ها، کتابها، برنامه‌های اجرایی، آموزش کتابداران تنظیم شده. شرکت مؤثر در جلسات سمینار به‌شک مقابله با مشکلات را آسان خواهد کرد.

همگامی با خواسته‌های کانون، اجرای دقیق دستورالعملها منعکس ساختن آمار فعالیتها و اعضاء بنحو منطقی و صحیح امکان برنامهریزی‌های بعدی را فراهم میسازد.

با تکلیف کمک‌های همه‌جانبه‌ی کانون و کوششهای بیدریغ کتابداران قطعاً این روند تکمیلی حفظ و ادامه خواهد یافت. در سمینار -

های بعد با عنایت به محدود شدن مشکلات اوقات مصروف تحلیل و تشریح مسائل بنیادی و کیفی خواهد شد. همکاران با نیرو و قاطعیت بیشتر بوظایف و مسئولیت‌های خطیر خود عمل خواهند کرد.

با اغتنام فرصت از سرکار خانم امیر ارجمند بجهت توجه بیدریغ و ویژه‌ای که بوضع کتابخانه‌ها و کتابداران دارند صمیمانه تشکر میکنم.

کتابداران شهرستانها

قطعه‌نامه

سومین سمینار سالانه‌ی کتابداران شهرستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از ۱۸ تا ۲۳ شهریور در آمفی تاتر کتابخانه شماره ۱۳ تهران تشکیل شد و در آن کتابداران ۵۱ کتابخانه کودک شهرستانها شرکت داشتند. در جریان جلسات این سمینار مسائل اداری و آموزشی مطرح و نتایج زیر حاصل شد:

۱. کتابداران باشیوه‌ها و تداویر نوین اداری آشنا شدند. ۲. کتابداران با هدفهای کانون آشنایی بیشتری یافتند و نتیجه در شناخت رسالت کتابدار و در کوشش با رتقاء بازده کار کاملاً مشهود بود.

۳. روابط کادر مرکزی و کتابخانه‌ها در فرصتهای گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

۴. از نتایج مفید این سمینار استحکام هرچه بیشتر علائق فیما بین همکاران کتابخانه‌های شهرستانها بود. که این علائق در جهت پیشبرد هدفهای کانون قطعاً ثمرات نیکو بیار خواهد آورد. ۵. کتابخانه‌ها با شتابی روزافزون در جریان حل مشکلات و مسائل قرار گرفته‌اند.

بنحویکه ائتلاف نیروها بعداً قائل رسیده و بهبود و سازندگی مدنظر قرار گرفته است. در این میان کوششهای انجام یافته در آموزش کتابداران، رفع نواقص تأسیسات و تجهیز کتابخانه‌ها - و توجه بشااعه راستین هنرهای چوون تاتر و موسیقی و نقاشی در رأس قرار دارد.

۶. با تکلیف کمک‌های همه‌جانبه‌ی کانون و کوششهای بیدریغ کتابداران قطعاً این روند تکمیلی حفظ و ادامه خواهد یافت. در سمینار -

های بعد با عنایت به محدود شدن مشکلات اوقات مصروف تحلیل و تشریح مسائل بنیادی و کیفی خواهد شد. همکاران با نیرو و قاطعیت بیشتر بوظایف و مسئولیت‌های خطیر خود عمل خواهند کرد.

با اغتنام فرصت از سرکار خانم امیر ارجمند بجهت توجه بیدریغ و ویژه‌ای که بوضع کتابخانه‌ها و کتابداران دارند صمیمانه تشکر میکنم.



اجرای نمایش در آمفی تئاتر پارک نیاوران

نمایش «شاپرک خانم» را دان لافون سرپرست گروه نمایش کارگردانی کرده است. در این نمایشنامه بهرام شاه محمدلوی رضا بابک - مرضیه برومند - سوسن فرخ‌نیا - علیرضا هدایتی - واردوان مفید ایضای نقش کرده‌اند. «شاپرک خانم» روزهای دوم و سوم و چهارم شهریورماه اجرا شد، و احتمال دارد که در آینده نیز مجدداً بر روی صحنه بیاید. خلاصه‌ی متن این نمایشنامه جداگانه ذکر میشود.

● گروه تئاتر کانون، پس از تجربیات چند ماهه، و اجرای برنامه‌های نمایش برای کودکان در کتابخانه‌های کانون، بیمارستانها، و غیره یک برنامه‌ی نمایش یک ساعته موسوم به «شاپرک خانم» در آمفی تئاتر پارک نیاوران بمدت سه شب بر روی صحنه آورد که با استقبال فراوانی روبرو شد. نویسندگی این نمایشنامه بیژن مفید بود که علاوه بر نمایشنامه‌های «ترب» و «کوتی و موتی» را نیز جهت گروه نمایش کانون نوشته و تنظیم کرده است.

کار کارگاه‌های نمایش ارائه‌میشد، و همچنین درباره‌ی روش‌های تعلیمی و گروه‌های پیشرفته و غیره بحث به‌عمل می‌آمد.

در نتیجه علیرغم تعطیلی - های روزهای آخر به مناسبت سمینار کتابداران در تهران، ماموق شدیم برنامه‌ی نمایشی کارگاه‌ها را متوقف نکنیم، و کتابخانه‌ها در این دوروز دایر بود.

برنامه‌های کتابخانه‌ی شماره‌ی یک بطور کلی در فضای آزاد اجرا شد، و در کتابخانه‌ی شماره‌ی دو، به‌منظور کنترل تماشاگران، این برنامه‌ها در داخل اجرا می‌شد. در مجموع دو نمایشنامه‌ی گروه ما، هشت بار به‌اجرا درآمد، چهاربار نمایش، «ترب»، و چهار بار نمایش «کوتی و موتی»، که بیش از یک هزار نفر از کودکان و افراد شرکت‌کننده در جشن هنر شاهد آن بودند.

در مجموع کار ما در شیراز مورد استقبال و قبول واقع شد، و نیز مطمئن هستیم که این اجراها، تجربه‌ی با ارزشی برای مرکز نمایش کانون محسوب میشود.

دان - لافون

در هر یک از کتابخانه‌ها شش کارگاه نمایش دایر شد، و در هر یک از این کارگاه‌ها، بیش از پنجاه کودک و نوجوان شرکت کردند.



● صحنه‌ی نمایش «شاپرک خانم»

طرح شاپرک خانم

وقایع نمایشنامه در یک انباری اتفاق می‌افتد، یک انباری محدود، که تعدادی حشره، هر یک بنحوی به داخل آن افتاده‌اند، و حالا راه خلاصی از این انباری بهیچ صورتی برایشان امکان ندارد.

عنکبوت بزرگترین قدرت این انباری است، و برای خودش آواز می‌خواند و خوش است، و همه‌ی حشرات از او حساب می‌برند.

یکروز از یک سوراخ، پروانه‌ی زیبا به درون این انباری سقوط می‌کند، پروانه به‌دام عنکبوت گرفتار می‌شود، و عنکبوت باین شرط او را آزاد می‌کند که حشرات دیگر را به دام او بیاندازد.

شاپرک خانم برای اجرای این نقشه، به هر یک از حشرات نزدیک میشود و دام می‌گسترده، اما هر بار دلتش می‌سوزد، و از این کارشیمان میشود و بالاخره خودش به نزد عنکبوت باز می‌گردد.

عنکبوت که در این مدت ناظر بر تمام کارهای شاپرک خانم بوده است، از خوردن او صرفنظر می‌کند و او را آزاد می‌سازد، و پروانه از انبار خارج میشود.

يك سناريو برای فيلم ۸ ميلی متری

از: علی پور اقامت

عضو کتابخانه شماره ۲

دو تا چشم دارم، شريك!

داخل يك كوچه ي بن بست، جلوی خانه يی، يك ترازوی ساخت بچه ها بادوسه تاسنك قرار دارد. چند بچه با این ترازو بازی می کنند. يك زن قابلمه بدست از خانه يی کنار بچه ها بیرون می آید، و قابلمه را بدست یکی از بچه ها میدهد. بچه بلافاصله بازی را رها می کند، و به را می افتد، و از كوچه میگذرد. خیابان شلوغ است، اتومبیل ها درحرکتند. اما پیاده رو خلوت است.

پس از پیاده رو به خیابان می رود، اما از توی آن همه ماشین جرئت عبور از خیابان را ندارد. ولی بهر حال باید قابلمه را به مقصد برساند.

اما عبور از خیابان مشکل است. از پیاده روی روبرو گدای نابینایی عصا زنان به خیابان وارد می شود، ولی او هم نمی تواند به این طرف بیاید.

پسر بچه سعی دارد به طرف او برود، اما او نیز از این کار عاجز است.

با خاوت شدن خیابان، یکبار پسر بچه تا اواسط خیابان می رود، اما ناچار به بازگشت می شود. عاقبت پسر بچه موفق می شود، و مرد کور را به پیاده رو می رساند، و خود به راه می افتد، و مغازه ی پدرش می رود.

پدر که جلوی مغازه مشغول صحبت با يك نفر است، بادیدن او خوشحال شده به داخل مغازه می رود.

این روز برای بچه روز خوب است، زیرا برای پدرش غذا برده و به علاوه به يك نابینا کمک کرده است، او با داشتن دو چشم، خود را با مرد نابینا شريك ساخته است.

در فستیوال فیلم های ۸ میلی متری مخصوص کودکان و نوجوانان که در مهر ماه سال جاری در ایالتی برگزار می شود، فرستاده شوند. کلیه کارهای این فیلم ها بوسیله خود بچه ها انجام می گیرد، از مرحله ی سناریو نویسی تا فیلم برداری، تا تدوین و غیره. و چون بکترین استعداد های نهفته را در بین کودکان می توان جستجو کرد، می توان انتظار داشت که بسیاری از این هنر آموزان، هنر چویان فیلم های ۱۶ و ۳۵ میلی متری فردا باشند.



● هنر آموزان کلاس فیلم سازی در حال کار

فیلم سازی کودکان

در کتابخانه های کانون

عهده دار این کار، آقایان ارسلان ساسانی و فرهاد شیبانی بودند. که هر يك تدریس در کلاس های سینمایی چند کتابخانه را تقبل کردند

طریقه ی تدریس به صورت کلاس های مستقل در روزهای زوج یافرد. و صبح یا بعد از ظهر، و فعلا در هشت کتابخانه انجام می شود. جزء برنامه هست که از تعدادی صاحب نظران و افراد مطلع دیگر نیز برای همکاری دعوت شود.

در طی دو ماهی که از آغاز کار این قسمت می گذرد، تئوری سینما و مقدمات شروع کار فیلم سازی، مثل تشریح دوربین و سایر لوازم فیلم برداری در این کلاس ها تدریس شده است.

قبل از آغاز به آشنائی و کار با دوربین ۸ میلی متری، هنر آموزان با دوربین عکاسی آشنا شدند که از بسیاری جهات به فیلم برداری ۸ میلی متری شباهت دارد.

در این مرحله هنر آموزان با ترکیب های تصویری آشنا شدند.

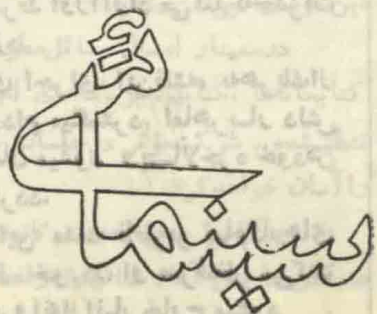
پس از آن عملا مرحله ی تجربی فیلم سازی آغاز شد. در حال حاضر روی هم رفته دو فیلم مستند، و شش فیلم داستانی ساخته شده است، که بدون نقی به نظر می رسد. و در نظر است این فیلم ها جهت شرکت

● به دنبال فعالیت های آموزشی کانون در زمینه های موسیقی و نقاشی و تئاتر که در کتابخانه های کانون اجرا می شود، و می بینم تا بحال نتایج ثمر بخشی داشته است، تصمیم گرفته شد يك طرح عملی مبنی بر آموزش فیلم سازی به کودکان کتابخانه ها به موقع اجرا گذاشته شود.

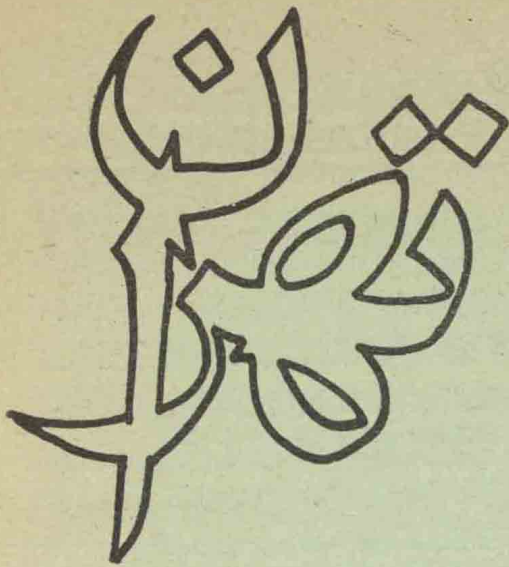
این طرح با همکاری مرکز سینمایی کانون، بزودی به مرحله ی عمل در آمد، و کار تدریس در کتابخانه ها شروع شد.

در آغاز برای نام نویسی، نحوه ی مصاحبه ی حضوری انتخاب شد. اما استقبال بچه ها، بیش از حد تصور بود.

و بهر حال چون در شروع کار، کلاس ها با ظرفیت معینی، فقط قادر به پذیرش تعداد معینی شاگرد بودند، لذا شرط ورود به کلاس، گذراندن امتحانی تعیین شد.



● يك جلسه کلاس فیلم سازی در کتابخانه



بررسی و پاسخگویی به گزارش‌های کتابخانه‌های

۱۵ مرداد - ۱۵ شهریور ۱۳۵۱

گزارش‌های ماهانه‌ی تهران که در ماه جاری بدست ما رسیده، نشان می‌دهد که همکاران ما راه خود را پیدا کرده‌اند. یک مقایسه‌ی مختصر و کوتاه میان گزارش‌های که در این ماه فرستاده شده و گزارش‌های که در ماه‌های گذشته فرستاده می‌شده به آشکارنشان می‌دهد که کتابدار، توانسته است تا اندازه‌ی خود را از گزند فورمالیزم نجات دهد.

نوشتن رنگ پاستل، و یارنگ نقاشی‌های یک نشریه‌اگر چه کاربندی نیست ولی مفید و سازنده هم نمی‌تواند باشد. درحالی‌که با نوشتن منابع و مآخذ بر نامه‌های اجرا شده، و دادن آمار صحیح و تقریباً بدون حرف، کتابدار ارزش کار خود را در حد یک کار تحقیقی و درست بالا برده است. سختی و تاریکی راهی را که تا این لحظه در کنار و بدنیال هم آمده‌ایم، می‌توانیم در مقابل نمره‌ی سازنده‌اش که حاصل شده است، فراموش کنیم و خوشحال باشیم که امروز در گزارش نویسی بی‌دقتی دیده نمی‌شود، آمارها، جز در موارد جزئی حقیقی است، و حالا سرپرست یک کتابخانه با وجدان آسوده و دور از دغدغه‌ی خیال می‌تواند فعالیت‌های خود را منعکس کند. تا اینجا همه همکاری کرده‌اند و ما کوشش داریم که باز هم در کنار هم به همکاری خود ادامه بدهیم.

البته نکته‌ی را نباید فراموش کرد و آن اینست که کارها در مجموع بی‌اشکال و کاملاً دقیق و صحیح پیش نمی‌رود. گزارش نویسی و منعکس کردن آنچه در کتابخانه می‌گذرد درست است، اما در پاره‌ی موارد اشکال همچنان باقی است.

کوشش ما در این مرحله و تا شروع مرحله‌ی بعدی، استفاده از منابع و مآخذ معتبر برای اجرای برنامه‌هاست. دائرةالمعارف‌ها و کتابهایی که برای سود رسانی به مؤلفین و ناشرین پراکنده می‌شود، فقط در حد یک راهنمایی بی‌ارزش مفید است و کتابدار نباید تنها به استفاده‌ی از آنها اکتفا کند چرا که بارها و بارها بوضوح معایب این گونه کتابها نشان داده شده است.

در معرفی یک نویسنده و یا شخصیت باید به آثار نویسنده و سیر زندگی اجتماعی‌اش بیشتر نظر داشت.

بازگویی خوش‌قیافه بودن لرد بایرون و پرخوراک بودن بالزاک تقریباً بی‌فایده و وقت‌گذران است، درحالی‌که از زندگانی این نویسندگان نکات مثبت فراوانی وجود دارد که تکیه‌ی کتابدار بیشتر باید بر آنها باشد.

برای رسیدن به‌دقی که داریم سهل‌ترین راه، روشی است که در معرفی همینگوی اتخاذ شده است.

همینگوی ۲۲ بار در کتابخانه‌های تهران و به‌وسیله ۲۲ کتابدار در طول یکماه معرفی شده است. جامع‌ترین و کامل‌ترین معرفی را در این شماره می‌آوریم، که می‌تواند راهنمای خوبی باشد برای ارائه‌ی یک کار قابل قبول، و دیگران می‌توانند از آن، تقلید کنند. البته نه کلمه بکلمه بلکه اسکلت کار را می‌توانند برای دفعات بعد مورد نظر قرار دهند.

باید توجه داشت که این معرفی کامل‌ترین شکل معرفی نیست، بلکه فقط در میان مطالبی که به‌ما رسیده از نظر کوتاهی و مفید بودن مطالب بهترین است.

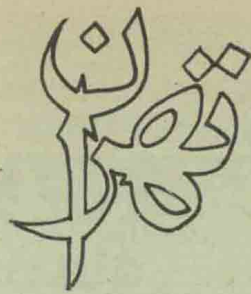
کامل‌ترین معرفی را خانم جلایر فرستاده بودند که با در نظر گرفتن تغییراتی، تکثیر، و به کلیه‌ی کتابخانه‌ها فرستاده خواهد شد.

کتابخانه‌ی مرکزی

اختصاص دادن برنامه‌ی معرفی کتاب به کتابهای ارنتست همینگوی کار بسیار جالبی است. با توجه به معرفی ارنتست همینگوی به‌صورت دیواری و حضوری در چند نوبت می‌توان امیدوار بود که حداقل مراجعه کنندگان دائمی کتابخانه با ارنتست همینگوی آشنا شده‌اند.

تنها اشکال گزارش نویسی این ماه‌شمار، اینست که رقم شرکت کنندگان در داستان‌رایی‌های ماه یکجا نوشته شده است و این اشکال باعث شده که نتوانیم از تعداد شرکت‌کننده هر برنامه مطلع شویم. معرفی سرزمین چین آنهم با خلاصه‌ی کوچکی که بدست ما رسیده این مطلب را تداعی می‌کند که چه بهتر است، وقتی منابع کافی برای کشور بزرگی مثل چین در دست نداریم، از معرفی آن صرف‌نظر کنیم.

ضمناً مطالب معرفی دیواری ارنتست همینگوی در کتابخانه‌ی



شما که بسیار زیبا تهیه شده بود، عیناً از مقدمه‌ی کتاب «از پانزده تا بیست و یک» استفاده از مقدمه‌ی کتاب «از پانزده تا بیست و یک» تهیه شده بود، و با این ترتیب باید به مقدمه نویسنده نمره دادنه به شما.

کتابخانه‌ی شماری ۱

از گزارشهای فردی کتابداران کتابخانه‌ی شما بجای روز پانزدهم، در روز هجدهم هم خبری نبود. شاید بتوان نام این کار را سهل انگاری در کار گذاشت.

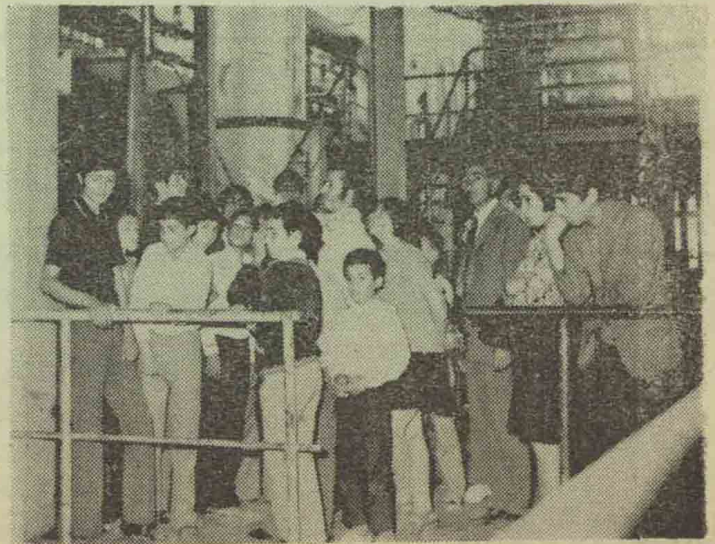
کتابهای معرفی شده‌ی این ماه در سطح خوبی است. «زندگی جنگ و دیگر هیچ»، «سه تار»، «میکل»، و «دنیای عجیب جانوران»، مجموعاً کتابهای با ارزشی را در کتابخانه تشکیل می‌دهد که معرفی آنها خوب و بجا بنظر می‌رسد، ولی آنچه عجیب بنظر می‌رسد اینست که چطور امکان دارد کتابهای خوبی نظیر کتابهای ذکر شده معرفی، بشود، ولی نام کتابهای پرخواننده. نام کتابهای دیگری باشد، به این ترتیب اثر بر نامه‌ی معرفی کتاب را در کجا جستجو کنیم؟

برای معرفی «ادگار آلن پو» از کتاب شعله‌های نبوغ استفاده شده، که باید یکبار دیگر تکرار کرد؛

– وقتی اینهمه شخصیت مناسب با منابع معرفی خوب هست، چرا باید سراغ کسانی رفت که مآخذ معرفی آنها فقط شعله‌های نبوغ باشد؟

کتابخانه‌ی شماری ۲

با معرفی کتابهای «میکل»، «کوههای سفید»، «مهاجران»، «با باگوریو» و «فواید گیاه خجاری»، نقص کار در قسمت معرفی کتاب رادر ماه گذشته جبران نموده‌اید، فقط آنچه قابل اهمیت است؛ اینکه کتاب با برداشت قسمتهایی از ابتدا و انتها و واسط کتاب که جالب باشد، نباید معرفی شود، بلکه یک معرفی را وقتی می‌توان



● بچه‌های کتابخانه‌ی کودک «هدان» در بازدید از کارخانه‌ی قند

کامل و قابل استفاده دانست که مطالعه‌ی کامل کتاب همراه با مطالعه‌ی در مورد نویسنده و مترجم صورت گرفته باشد و برداشت کلی از کار نویسنده را برای بچه‌ها تشریح کرد.

معرفی آمریکا بازحمت زیادی که در تهیه‌ی منابع و طرح آن شده است، قابل توجه است، معرفی امیر کبیر و صحبت در مورد مشروطیت از جمله بر نامه‌های خوب این ماه کتابخانه‌ی شماست، ولی مطالب معرفی امیر کبیر خیلی خلاصه است و در این مورد به شما اطمینان می‌دهیم که ما می‌توانستیم منابع بهتری در اختیار شما بگذاریم. در بر نامه‌های بحث، حتی بحث آزاد نیز، چه خوب محدود و بحث را مشخص کنید و وقتی موضوع بحث، مثلاً «سپاه دانش دختران» است، منابع استفاده برای اجرای برنامه را نیز ذکر کنید تا بتوانیم بهتر در مورد کارتان قضاوت کنیم.

کتابخانه‌ی شماری ۳

متن ارسالی از معرفی ارنست همینگوی حاکی از کاملترین معرفی ماه گذشته بوده است. در واقع کاری تازه و ابتکاری است و باید مورد توجه سایرین هم قرار بگیرد. ولی در مقابل این کار نو و جالب، معرفی ترومن، والت دیسنی، مندلسن،... را دارید که برای معرفی‌شان فقط از کتابهای نوع دائره المعارف استفاده شده است، در حالیکه این منابع فقط می‌توانند اطلاعاتی در باره‌ی سال تولد و مرگ و نکاتی از این قبیل بدهند، که سخت ناقص هستند و گفتنشان هم برای بچه‌ها بی‌فایده است

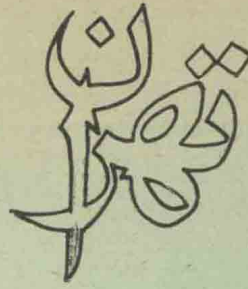
اگر فقط منابع شما در حد دائره المعارف است، قبلاً با ما تماس بگیرید تا در صورت امکان، راهنمایی بیشتری بکنیم. ضمناً از کتابهای تازه رسیده، هیچکدام را معرفی نکرده‌اید، که باید این نقص برطرف بشود.

کتابخانه‌ی شماری ۴

ترتیب مسابقه‌ی نشریه نویسی در کتابخانه‌ی شما از جمله کارهای خوب و پرثمر بشمار می‌آید. این کار با توجه به همراهی گروهی اعضاء می‌تواند آنچه را که هدف کارماست ایجاد نماید. کنترل مطالب نشریه‌ها اگر با واقع بینی بیشتر همراه باشد، باعث می‌شود که جای مطلب معرفی «رهی معیری» را با شخصیت با ارزشتری عوض کنیم. کتابهای معرفی شده‌ی شما در این ماه بسیار خوب و مناسب است و نشان می‌دهد که از کتابهای جدیدی که برایتان رسیده انتخاب خوبی کرده‌اید.

– فقط عدم تطابق کتابهای معرفی شده با کتابهای پرخواننده همان اشکال همیشگی را پیش می‌آورد که چرا اعضاء، کتابهای معرفی شده را بیشتر برای مطالعه بمنزل نبرده‌اند؟

از معرفی همینگوی در ستون معرفی شخصیت نیز خبری نبود.



در حالیکه می‌بایست اجباراً همینکوی معرفی می‌شده است.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۵

معرفی شخصیت‌هایی نظر گوگول، گوگن و وان گوک با استفاده از منابع خوبی نظیر کتاب نقاشی نوین و مقدمه‌ی کتاب دشمنان و زندگی‌نامه‌ی گوگول کارهای با ارزش کتابخانه شما را تشکیل می‌دهند. ولی نوشتن مطالب نشریه‌ی دیواری ار نست همینکوی در پوستری بارنگ تیره و ریز با مطلبی سنگین و نداشتن معرفی سرزمین و ملتی که کتابداران تهیه کرده باشند، خالی از عیب نیست. بهر صورت امیدواریم که این کوتاهی بزودی جبران شود.

در مورد موضوع برنامه‌های بحث و حد و حدود آن در موقع اجرای برنامه مطلبی نوشته نشده بود که منتظر رفع این نقص نیز هستیم.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۶

در مقابل معرفی پابلو نرودا که از شماره مخصوص سخن برای معرفی اش استفاده کرده‌اید، کار با ارزشی است، کارهاییکه منابع در حد کتابهای دائرةالمعارفی است بی‌ارزش است.

— اگر بکار علاقمند باشید، بارها تقاضا کرده‌ایم که برای تهیه منابع ما را هم در جریان بگذارید.

معرفی همینکوی بصورت دیواری و شفاهی کار درست و نتیجه داری است ولی اینکه برای معرفی اش به یک کتاب دائرةالمعارف اکتفا کرده‌اید مورد تأیید نمی‌تواند باشد.

کتابهایی که معرفی کرده‌اید، تقریباً همه قدیمی هستند. لازم است که به معرفی کتابهای جدید هم بپردازید.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۷

برخلاف ماههای گذشته، کتابخانه‌ی شما از حیث تعداد برنامه‌ی اجرا شده کمبود دارد، مثلاً برنامه بحث اجرا نشده و یا اینکه فقط ۴ داستان‌سرایی داشته‌اید.

کتابهاییکه معرفی کرده‌اید، مناسب و بجا هستند ولی اینکه چرا پر خواننده نیستند به نقص کار شما مربوط می‌شود که نتوانسته‌اید بچه‌ها را بطور کامل جلب کنید. مطلب قابل ملاحظه‌ی که از گزارش شما بر می‌آید، مسانند دفعات سابق، همکاری گروهی از اعضای در کارهای کتابخانه است و در واقع کتابخانه‌ی شماره‌ی ۷ از این حیث بی‌همتا است.

آمار مراجعین شما سیر قهرایی دارد، و این مطلبی است که بیش از هر چیز باید مورد توجه شما باشد. در واقع باید با برنامه‌های تازه و متنوع به جلب اعضای کوشش کنید.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۸

در کتابخانه‌ی شماره‌ی ۸ آنچه بیشتر مورد توجه قرار

می‌گیرد، مسایل روز است.

بحث درباره‌ی المپیک و تهیه‌ی نشریه‌ی بهمین نام و همچنین معرفی کشور افغانستان بمناسبت سالروز استقلالش از جمله این برنامه‌ها است.

منابعی که برنامه‌های معرفی با استفاده از آنها تهیه شده، اگر چه نسبت به سابق بهتر است، ولی باز کامل نیست.

برای معرفی شخصیتی چون همینکوی نباید به یک مقدمه اکتفا کرد، بلکه لازم است کتابهایش را بخوانیم تا با سبک نویسنده‌ی ونحوه‌ی تفکرش هم آشنائی بیشتری پیدا کنیم.

ضمناً توجه داشته باشید، تعداد کتابهای برگزیده‌ی شما در گزارش مشخص نشده است.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۹

اینکه در معرفی همینکوی به دائرةالمعارف‌ها متوسل نشده‌اید، نشان می‌دهد که حالت کاوشگری در کتابخانه‌ی شما پیدا شده است.

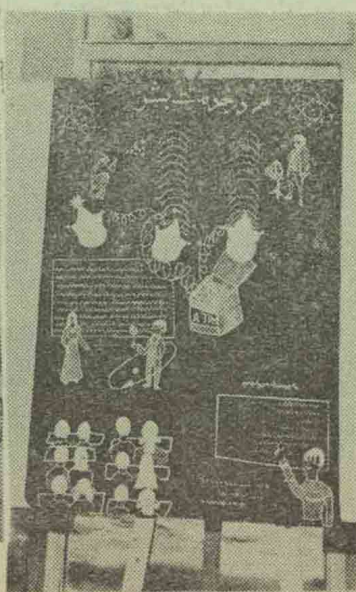
یک کتابدار دلسوز و کاری، از هر لحظه، بنفع کار، استفاده می‌کند مطالبی که گاه بگاه در مجله‌ها و روزنامه‌ها آورده می‌شود، می‌توانند یاری دهنده‌ی کتابدار در اجرای بهترین برنامه‌هایش باشند و از آن جمله است استفاده‌ی خانم طاهری از مجله‌ی نکین برای معرفی همینکوی.

همکاری اعضاء در تهیه‌ی نشریه و تعداد زیاد آنها حاکی از گسترش کارهای گروهی است.

ضمناً آمار کتابخانه (۱۲۳۴۲ نفر) نشان می‌دهد که کتابخانه با اقبال گروه کثیری از کودکان و نوجوانان و کتابخانه از حالت رکود خارج شده است.



● داستان مصور - کتابخانه‌ی کودک کرمانشاه



● نشریه‌ی عام در خدمت بشر - کتابخانه‌ی کودک زاهدان



کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۰

اصولاً همه بر نامه‌هایی که اجرا کرده‌اید، موجه‌اند ولی همه‌ی آنها تکراری هستند و بوی کهنگی می‌دهند.

بامعرفی ارشمیدس، دکارت، خیام... مخالفتی نیست، ولی لازم است که در کنارشان به معرفی شخصیت‌های معاصر هم بپردازید. نویسندگان و شاعران معاصر ایرانی و یا نویسندگان معاصر خارجی می‌توانند مورد معرفی باشند، بخصوص کسانی که کتابهایشان را در کتابخانه داریم.

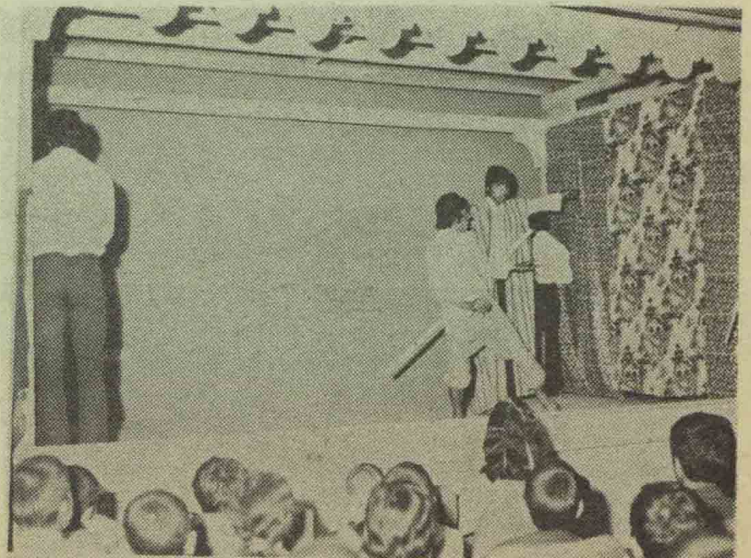
در ماه گذشته قراری داشتیم به این عنوان که ترتیب یک بر نامه‌ی بحث با حضور ماداده شود که گویا فراموش کرده باشید.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۱

تهیه‌ی مصور از کتابهای «دخترک قرمزپوش» و «دکتر آبی درد میکند»، توسط اعضاء کتابخانه، پیروش شهابی، مژده بهادری سهیلا شهبال و مهشید ارزبان، کار با ارزش کتابخانه‌ی شما در ماه گذشته بوده است ولی وقتی حرف رنگ پاستل و ماژیک و پنبه و «بطرز جالبی» بمیان می‌آید، کار شما تنزل میکند و ما بارها تذکر داده بودیم که باینگونه مسایل نپردازید.

بحثهای مختلفی در کتابخانه اجرا شده که بیشتر مربوط به مسایل ورزشی است، بنام‌های المپیک، فوتبال، المپیک و تاریخچه‌ی آن، و اینها حاکی از این است که تب ورزش بمحیط کتابخانه هم سرایت کرده و کتاب و کتابخوانی را تحت تأثیر قرار داده است.

بحث دیگری در باره‌ی «جامعه» داشته‌اید که ارزش‌یابی‌اش بعلمت عدم ذکر منابع و ارسال نداشتن خلاصه ممکن نگردید. در هر حال مسایلی از اینگونه، حساس و محتاج بمطالعه‌ی دقیق و



● اجرای نمایشنامه‌ی «ضیافت» از کتابخانه‌ی کودکان اصفهان شماره‌ی ۲

باریک بینی‌ست.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۲

برنامه‌های شما عموماً قابل توجه و در سطح خوبی هستند. در کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۲ برای معرفی همینگوی سنگ تمام گذاشته‌اند و ضمن اینکه دو داستان کوتاه‌اش داستانسرای شده خود او با استفاده از کتاب ادبیات آمریکا، مجله‌ی آرش همراه با نظرانی که اینشتاین و آندرسن درباره‌اش ابراز کرده‌اند، معرفی شده است، همینطور کتاب «ازپا نیفتاده»‌ی او هم معرفی شده است.

بهترین متنی که از معرفی همینگوی در کتابخانه‌های تهران فرستاده شده، متعلق بکتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۲ است که حتماً آن را در پایان بررسی‌ها ملاحظه خواهید کرد.

ضمناً در معرفی یک شخصیت (خسرو کرمانشاهی) یکی از اولین رمان نویس‌های جدید، از کتاب «از صبا تا نیما» استفاده شده که ابتکار جالبی است.

خوب است که در کنار این برنامه‌های با ارزش، کمی دقت و وسواس هم داشته باشید، مثلاً در گزارش ماه گذشته بالزاک بنمون «مورخ و جامعه‌شناس» معرفی شده است، و دو ماه است که در فرم‌های قدیمی گزارش می‌نویسید. اینها اگرچه از ارزش کارهای شما کم نمیکنند ولی به آنها لطمه می‌زنند

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۳

در داستانسرای «ماهی» با اسم انگلیسی **the Fish** که از نوار ضبط استفاده کرده‌اید، زبان معرفی، فارسی بوده است یا انگلیسی؟ اگر فارسی بوده که اسمش را هم باید فارسی بنویسید اگر انگلیسی بوده، آیا اعضاء کتابخانه شما بآن اندازه انگلیسی بلد هستند؟ از کتابهای خارجی با استفاده از معلومات خودشان در ترجمه، میتوانند مصور تهیه بکنند و گرنه تصور نمیکنم داستانسرای بزبان انگلیسی فایده‌ی داشته باشد. مگر برای انگلیسی زبانها.

در معرفی ارنست همینگوی راه درستی نداشته‌اید. قرار ما برای این معرفی این بود که حداقل چند کتاب از این نویسنده را بخوانید و بعد معرفی بشود در حالیکه در کتابخانه حتی کتابش را معرفی نکرده‌اید، و باین ترتیب کار کاملی نبود.

گزارشهای انفرادی هم ناقص بمارسید و باین ترتیب پاره‌ی از کارها غیر قابل ارزیابی‌ست. ضمناً گویا در سراسر ماه فقط یک شعرخوانی داشته‌اید آنهم بایک شعر بنام «راز طبیعت» کوشش کنید که اینگونه برنامه‌ها با تنوع بیشتر و بتعداد بیشتری اجرا بشود که بدون شك در جلب اعضاء به کتابخانه موثر خواهد بود.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۴

شرکت اعضاء کتابخانه در برنامه‌ی شعرخوانی، خواندن



کتابخانه‌های

است از کتابهای نوع دائرة المعارف کمتر استفاده بشود و این چیزی است که مورد تأیید ماست. ولی يك چیز هم نباید فراموش بشود و آن اینست که برای معرفی يك شخصیت باید کتابهایش را هم خواند و در کنار معرفی شخصیت، کتابهایش را هم معرفی کرد تا برنامه همه‌جانبه و بدون نقص اجرا بشود. نتیجه‌ی کار را می‌توانید در ستون کتابهای پرخواننده ببینید، اگر کار شما کامل باشد از آن نویسنده، کتابهای زیاد خواهند برد و خواهند خواند.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۸

مجدداً در برنامه‌ی معرفی شخصیت به دائرة المعارف و کتاب‌هایی از این نوع اکتفا کرده‌اید، و این امر، کار شما را بی‌ارزش می‌کند. بحث کتاب و بحث آزاد هم نداشته‌اید.

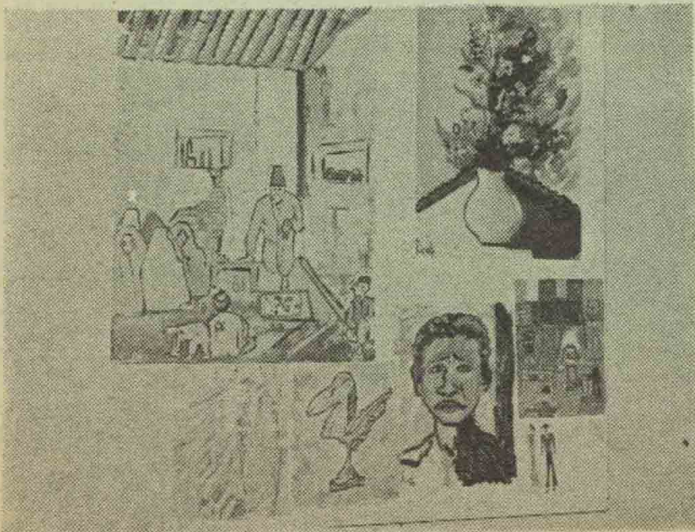
کتابهای معرفی شده کتابهای باارزشی هستند ولی چرا پرخواننده نیستند، لابد مربوط به نوع و شیوه‌ی معرفی شما میشود. نشریه اصلاً نداشته‌اید، درحالی‌که در صورت نداشتن وقت آزاد از طرف اعضاء، کتابدار موظف است این وظیفه را بعهده بگیرد تا کتابخانه بی‌نشریه نماند.

برنامه خوبی بنام شعرخوانی اجرا کرده‌اید، با همکاری اعضاء و سرپرستی کتابداران که مورد قبول و تأیید است. ضمناً تئریک ما را بمناسبت آغاز دومین سال فعالیت کتابخانه بپذیرد.

کتابخانه‌ی کرج

امید ما با بازگشت خانم قره‌گزلو اینست که کتابخانه هرچه بیشتر در رسیدن به هدفهایش موفق باشد و از حالت رکود و کساد در بیاید.

برنامه‌ی خوب شما بحث در اطراف جشن هنر شیراز و کمیود



● قسمتی از نقاشی‌های کتابخانه کودک اهواز شماره يك

شعرها بوسیله‌ی آنها با سرپرستی یکی از خانمهای کتابدار (خانم محمدی) بهترین شکل برای برگزاری برنامه‌ی شعرخوانی است. خوشحال خواهیم شد اگر یکی از این برنامه‌ها در حضور ما اجرا بشود. معرفی کتابهای همینگوی از کارهای باارزش کتابداران کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۴ است، ولی عجیب است که اعضاء هیچگونه علاقه‌ی بخواندن این کتابها نشان نداده‌اند و نام آنها در ستون کتابهای پرخواننده نیامده است.

نداشتن بحث آزاد و بحث کتاب از اشکالات کار شما در ماه گذشته بوده است که از نداشتن برنامه‌ی صحیح ناشی میشود. در صورتیکه برنامه را با توجه به تمام امکانات و اشکالات اتفاقی تنظیم کنید، حتماً در برنامه‌ی بحث در کتابخانه خواهید داشت.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۵

رویه‌ی که در معرفی شخصیت داشته‌اید، استفاده از بچه‌ها در اجرای این برنامه، و تهیه‌ی نشریه و عکس در باره‌ی شخصیت مورد نظر، از ابتکارات خوب و باارزش شماست منتها متن کاملی از معرفی را نفرستاده‌اید، اگرچه با ذکر منابع که موجه و قابل استفاده بودند، تا اندازه‌ی نقص کار را کم کرده‌اید.

بحث آزاد و بحث کتاب نداشته‌اید، و این مسئله اگرچه با توجه به محل جدید تا اندازه‌ی قابل قبول است، ولی کاملاً موجه نیست.

همکاری شما با ما و تحمل و تاملی که در کار خود دارید برای ما غنیمت است، و آن را عزیز میدانیم.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۶

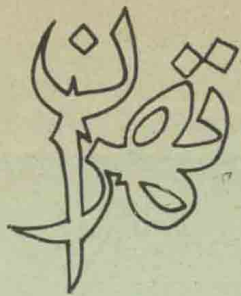
گزارش شما، چون نحوه‌ی کارتان، مرتب و کامل است. در برنامه‌ی معرفی شخصیت شما کمیودی ندیدیم، جامع و مانع نوشته بودید، منتها بحث شما صرفاً در باره‌ی شخص همینگوی بوده است و در باره‌ی سبک نویسنده‌ی آثارش کمتر نوشته‌اید.

بحث کتاب و بحث آزاد نداشته‌اید، و همینطور در معرفی کتاب به کتابهای جدید کمتر توجه شده است که امیدواریم این کمیود را هم برطرف کنید.

تشکیل گروههای روزنامه نگاری و گزارش نویسی از بازدیدها، کارهای قابل توجهی است که باید مورد تقلید سایر همکارانمان در دیگر کتابخانه‌ها قرار بگیرد.

کتابخانه‌ی شماره‌ی ۱۷

گزارش کامل و جامع کتابخانه به ما رسید. مطلب قابل توجهی که به چشم می‌خورد، مربوط به ستون معرفی شخصیت است که حاکی از معرفی آنا تول فرانس، همینگوی، آنتوان چخوف، آندره ژید و مارک تواین بود، و باز قابل توجه اینکه، در حد امکان کوشش‌اشند



معرفی شخصیت

ارنست همینگوی

● ارنست همینگوی در ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۹ در اوك پارك شيكاگو متولد شد. پدرش به شکار و ماهیگیری علاقه خاصی داشت، از اینرو او نیز به صید ماهی و شکار علاقه مند می‌شود. مادرش موسیقی می‌داند و سعی می‌کند که علاقه‌ی ارنست را به این هنر جلب کند، ولی همینگوی دنبال پدر می‌رود و از هنر مورد علاقه‌ی مادر دوری می‌جوید.

ارنست در چهارده سالگی به شيكاگو می‌رود تا مامت زنی فرا گیرد، و با وجود پستی شکسته و چشم مشت خورده‌ی متورم، باز به مامت زنی ادامه می‌دهد.

او کار نویسندگی را از طفولیت شروع می‌کند. در نشریه‌ی دبیرستان ستون اخبار و شایعات با اوست. در فصلنامه‌ی مدرسه خود نیز مقاله می‌نویسد، با آغاز جنگ اول جهانی او که هیجده ساله است، داوطلب جنگ می‌شود، ولی بعلت آسیبی که به چشمش وارد شده بود از قبولش عذر می‌خواهند.

— ارنست بناچار خبرنگار جنگی می‌شود و به جبهه می‌رود و در آنجاست که زخمهای جسمی و روحی فراوانی می‌بیند.

ارنست از اینجا شروع به نوشتن داستان‌های کوتاهی می‌کند که همگی موفق می‌شوند. در سفری که به پاریس می‌کند، با گسترده‌تر شدن اشتیاق و از راه پاندا آشنایی می‌شود و حتی داستانهای خود را به این دو نفر می‌سپرد تا بخوانند و تصحیح کنند.

نخستین اثرش بنام «در زمان ما» که مجموعه‌ی داستان‌های کوتاه است، در سال ۱۹۲۵ انتشار می‌یابد ولی بیش از ۷۰ نسخه‌ی آن در ظرف یکسال فروخته نمی‌شود. در ۱۹۲۶ دومین کتابش را که «سیلابهای بهاری» نام دارد منتشر می‌کند. این کتاب هم چهار سر نوشت کتاب اولش می‌شود و فروش بزرگی پیدانمی‌کند. ولی کتاب بعدی او که «خورشید همچنان می‌درخشد» نام دارد و در پائیز سال ۱۹۲۶ منتشر می‌شود، اقبال بیشتری پیدامی‌کند و بفروش می‌رود. این کتاب بقدری مشهور می‌شود که جوانان سعی می‌کنند همانند او بنویسند، و سبک او را دنبال کنند.

در پاریس ناشرین اطراف او را می‌گیرند، ولی او گوشه‌ای باین حرفها بدهکار نیست و تا ذوقش نکشد، نمی‌نویسد.

همینگوی بعداً به آمریکا می‌رود و شروع به نوشتن «وداع با اسلحه» می‌کند. پس از انتشار این کتاب به مسافرت آفریقا می‌رود و پس از بازگشت (۱۹۳۴) به نگارش داستانهای می‌پردازد که ره آورد سفر آفریقاییش بود. از کارهای بعدی اش «مرد پیر و دریا» است

کار شما معرفی نکردن کتابهای همینگوی است. ستونهای موسیقی و نقاشی هم دقیقاً تکمیل نشده و کمبود دارد. سعی داشته باشید که شکل و ظاهر کار را هم با باطن و محتوایش هماهنگ سازید.

کتابخانه‌ی کارآموزی کرج

برنامه‌های شما مطابق آنچه که مورد نظر بوده اجرا شده است. همچنین کار با ارزشی در معرفی کتاب می‌گردد و وداع با اسلحه داشته‌اید.

اجرا نکردن برنامه‌ی شعرخوانی از کمبودهای کتابخانه‌ی شما است که باید حتماً در جبرانش بکوشید.

نشریه هم تقریباً نداشته‌اید و این نشان دهنده‌ی عدم توجه اعضاء به کار کتابخانه و کار گروهی است. لازم است که در اولین فرصت چند گروه روزنامه‌نگاری تشکیل بدهید.

با بازرس خود برای به نتیجه رسیدن این اقدام مذاکره کنید.

کتابخانه‌ی کانون و اصلاح تربیت

گزارش، و کارهای شما نسبت به سابق نشان دهنده‌ی تغییر روش شما در کار و عنایت بیشتر اعضاء، به کتابخانه است. معرفی همینگوی، مارک تواین و کتابهای تام سایر و هکلبری فین، از جمله کارهای خوب شماست. حالاً چطور میشود که با این برنامه‌ها، ربه‌کا کتاب پر خواننده بشود، مربوط میشود به بی نتیجه بودن کار شما. از کتابهای مارک تواین نمایشگاهی ترتیب بدهید، تا حالتی بوجود بیاید که کتابهای این نویسنده مورد توجه قرار بگیرد، همینطور در مورد کتابهای همینگوی.

بحثها سعی کنید که در باره‌ی موضوعات روز باشد. در ضمن نسبت به آن مطالعه و تجربه هم داشته باشید، و گرنه به نتایج صحیحی نخواهید رسید، کما اینکه نرسیده‌اید.

مطالب نشریه‌ها فرمایشی و بی‌تنوع است - مثل مقاله‌ی «ندای آسمانی» که لابد خواننده هم نداشته است.

شعرخوانی از کتابهای شاعران امروز باشد، بهتر است.

علی میرزائی



که شهرت بی نظیری پیدای کند.

همینگوی در این او آخر کم مینوشت و کمتر پیدا بود تا روزی که بالاخره بقولی تصمیم مهم زندگی خویش را می گیرد و با گلوله بی بزندی خود خاتمه میدهد.

همینگوی سبک ساده و بی پیچیده ای دارد. شاید اولین نویسنده بی باشد که خود را از قید ادبیات زمان خود آزاد می کند و آنطور که می خواهد می نویسد. سبکش اغلب مجاوره بیست. خودش می گوید: «اگر بتوانم ضمن داستان چهار نفر را با هم رو برو کنم و بصحبت وادارم، خیالم کاملاً آسوده خواهد بود.»

مضمون اصلی داستانهای همینگوی مرگ است. مرگ دردنیایی که همه ارزشهای خود را بخشونتهاده اند. شاید بهمین دلیل بتوان همینگوی را نویسنده ای مکررات خواند، ولی اگر قبول کنیم که او بسیار خوب و زرف از عهده ای مضمون خود برآمده تنگی میدان دیدار او را قبول خواهیم کرد.

منتقدین با انتشار کتاب «وداع با اسلحه» گفتند که همینگوی برای بار دوم از همه چیز خدا حافظی کرده است در کتاب «وداع با اسلحه» همینگوی قهرمان خود را در پایان، تنها و سرگردان می گذارد، ولی در کتاب «زنکها برای که بصدا درمی آید»، که از جنگهای داخلی

اسپانیا که خود او شاهد بوده بسیار متأثر است، رابرت جردن قهرمان کتاب انگیزه ای جالبی برای کشته شدن پیدا می کند. با انتشار این کتاب همینگوی مسئله ای دیگری را مطرح می سازد، تنها افراد بطور انفرادی مهم نیستند، اجتماع نیز مهم است، و این حداقل از فداکاری رابرت جردن دحق معشوقه ای خویش کاملاً پیداست.

ارنست همینگوی بالاخره آنطور که قهرمانانش می مردند، نمی میرد، بلکه بقولی بطور تصادفی و بقولی عمداً گلوله ای از تفنگ شکاری اش رها می شود و او را می کشد. آنچه در زندگی همینگوی مهم است، دیگر گونی روحیه ای او از زمانی است که کتاب «وداع با اسلحه» را نوشت، تا زمانی که زنکها برای که بصدا درمی آید را منتشر ساخت.

یک انسان سرخورده ای غمین از جنگ و دلشکسته از پوچی جنگ و بی هدفی انسانها، ناگهان شوق مبارزه را پیدای کند، و در کنار جمهوری خواهان اسپانیا می جنگد. همینگوی نویسنده ای زمان ما است. نویسنده ای است که در آثارش روحیه و عمل انسان قرن خود را منعکس کرده است، بگذریم از اینکه عده ای بهمین دلیل توانایی قبول او را نداشته اند.

(این معرفی را خانم فریور دماوندی سرپرست کتابخانه ای شماره ۱۲ فرستاده بودند.)



هرمان ملویل

● هرمان ملویل نویسنده ای بزرگ آمریکایی در سال ۱۸۱۹ در نیویورک متولد شد و در سال ۱۸۹۱ درگذشت. وی از خانواده ای مرفه و روشنفکر بود، تا سن ده سالگی زندگی آرامی داشت در ۱۲ سالگی پدرش آلن ملویل ورشکسته شد و به دنبال آن پیرو تنگدست درگذشت.

هرمان جوان در سن ۱۸ سالگی مجبور شد ترک تحصیل کند و به تعلیم کودکان روستایی بپردازد ولی این کار مدت زیادی طول نکشید.

— سال بعد با امید اینکه در سازمان حفز کانالهای دولتی کاری بدست آورد و در آنجا مشغول بکار شود، بمطالعه و تحصیل رشته ای مهندسی و نظارت ساختمان پرداخت ولی این آرزو هم مبدل به آس گریدید. باین ترتیب تصمیم گرفت بشغل ملوانی بپردازد و کارگر کشتی شد تا ۲۵ سالگی باین کار مشغول بود و در این مدت با سفرهای بسیاری که کرد توانست تجربیات بسیار خوبی بدست آورد و بعدها مشاهدات خود را در آثارش، بکنجاند.

آثار ملویل مانند زندگی در یک لفافه ای اسرار و ابهام پیچیده شده است و این حقیقت در کتاب اول او بنام «تایپی» بچشم میخورد.

— هرمان در این کتاب قدرت داستانسرایی و ذوق سرشار خود را کاملاً نشان میدهد و بحثی فلسفی در مورد مسخرگی های زندگی و مسایل عصر جدید پیش می کشد ولی چون زیاد بمذهب می تازد، این کتاب مورد انتقاد قرار می گیرد و در چاپ دوم آن

آنچه باعث آزرگی اهل دین شده بود، حذف می کرد. کتاب دوم ملویل بنام «امو» است که شامل تمام تجربیات وی در جزیره تاهیتی می شد.

کتاب دیگر ملویل «گاردی» نام دارد، وی در این کتاب سعی می کند باین بحث فلسفی که آیا در زندگی رسیدن بسعادت امکان دارد یا نه؛ پاسخ دهد. این کتاب مورد انتقاد شدید نویسندگان اروپائی و آمریکائی واقع شد ولی خود ملویل معتقد بود که این کتاب بعدها ارزش پیدا میکند. وی مطالعات زیادی در آثار نویسندگان آمریکائی و اروپائی و خصوصاً انگلیسی داشته است. بنظر بیشتر نویسندگان بزرگ شاهکار هرمان ملویل کتاب «موبی دیک» یا نهنگ سفید است که در این کتاب وی تجربیات گرانیهای خود را درصید نهنگ بیان میکند و میکوشد داستانی در مورد این شغل خطرناک بسازد.

کتاب دیگر او «بیلی باد» یادکل بان نام دارد که بعد از مرگش بچاپ رسید. در این کتاب هرمان ملویل بار دیگر میکوشد جنبه های متناقض و پیچیده ای خوی و طبع بشری و روابط او را با اجتماع شرح دهد.

هرمان ملویل از لحاظ قدرت نویسندگی و نیروی تخیل و سرحات فکر و بخصوص از حیث داستانسرایی و تفحص دنیای ذهنی و وجدان، و بیان کشمکشهای عصر خود، مقام والایی در میان نویسندگان بزرگ آمریکا احراز کرده است.

شفیقه محبی

سرپرست کتابخانه ای مرکزی

کتابخانه‌های کودک اصفهان



کتابخانه‌ی شماره ۳ در قسمت نوجوانان - دانشگرو سعید امیدقائمی اول - فخرالدین امیدقائمی دوم - ودوشیزه رضوانی مقام سوم را کسب کردند.

در قسمت نوجوانان دختر:

نسترن ژرفی ولادین ژرفی اول - آذرجیل عاملی دوم. کتابخانه‌ی نجف آباد - شریف روحانی اول و اسماعیلی مقام دوم را کسب کردند.

در قسمت کودکان دختر - شریف - معین - و شریعتی بترتیب مقامهای اول و دوم و سوم را کسب کردند.

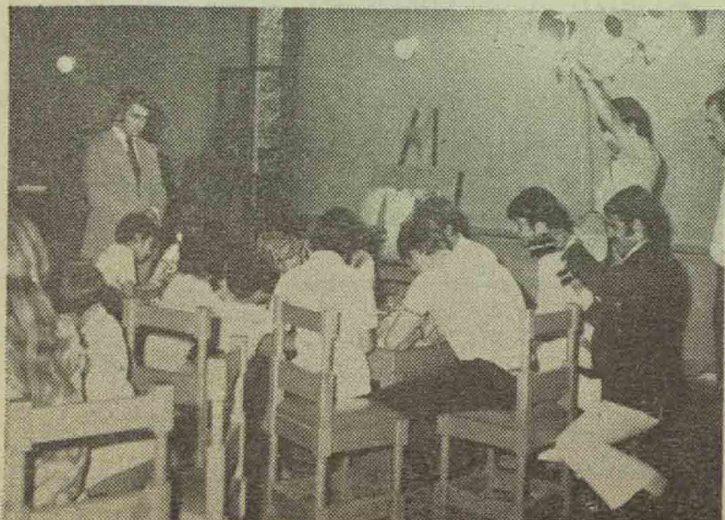
در قسمت کودکان - زاله شریف اول و زری محمدی دوم. کتابخانه‌ی هما یونشهر - مظاهری اول - احمدی دوم و ودوشیزه مظاهری مقام سوم را کسب کردند.

این نتایج بوسیله رادیو تلویزیون اصفهان و مطبوعات اعلام شد.

ضمناً جوایز کودکان و نوجوانان کتابخانه‌ها بوسیله سرپرستان درجشنی که برگزار خواهد شد به آنها اهداء میگردد.

رسول فرقدانی مربی نقاشی کتابخانه‌های

شماره ۱ و ۲ اصفهان



برای تشویق کودکان و نوجوانان کتابخانه‌های اصفهان روز دوشنبه ۳۰ مرداد ماه سال جاری، چهارمین دوره مسابقات نقاشی کتابخانه‌های کودک اصفهان در محل کتابخانه‌ی مرکزی برگزار شد. در ضمن از کتابخانه‌های نجف آباد هما یونشهر و شماره ۳ اصفهان نیز برای شرکت دعوت بعمل آورده شد در این مسابقه تعداد ۱۳۰ نفر از کودکان و نوجوانان عضو گروه نقاشی کتابخانه‌ها شرکت داشتند. برای مسابقه ده موضوع در نظر گرفته شده بود که بوسیله یکی از کودکان پنج‌ساله‌ی عضو گروه نقاشی پنج موضوع انتخاب شد، و بچه‌ها آزادی داشتند از پنج موضوع یکی را انتخاب کنند. این مسابقه زیر نظر مربیان نقاشی کتابخانه‌ها آقایان رسول فرقدانی، محمود واقفی، جواد سپهری انجام شد. در ضمن جریان مسابقه از طرف تلویزیون مرکز اصفهان فیلمبرداری شد، که برای تشویق بچه‌ها نتایج هر کتابخانه جداگانه اعلام شد بقرار زیر:

کتابخانه‌ی مرکزی در قسمت نوجوانان - حمید نبوی نژاد اول - محمدبزرگ‌زاد دوم.

در قسمت نوجوانان دختر - زهره بزرگ‌زاد اول - گلی مقتدر دوم.

کتابخانه‌ی مرکزی در قسمت کودکان (پسر) - وحید نبوی نژاد اول - شکرانی دوم - مهران شکرانی و رامین روانپی مقام سوم در قسمت کودکان (دختر) - مهناز شببانی اول - مهین شکرانی دوم - زهره آقابابائی سوم.

کتابخانه‌ی شماره ۱ در قسمت نوجوانان (پسر) امیر اشجعی و غلامرضا بصیری اول، محمدود نعیمی دوم. در قسمت کودکان مهدی نعیمی اول - احمد شریفی و مصطفی میرقادی دوم و فریدضیائی مقام سوم. در قسمت کودکان دختر - لایلا همایونی اول - شهلا و سیما قدسی دوم و طاهره تاج مقام سوم را کسب کردند.

کتابخانه‌ی شماره ۲ - سعید جان‌نشاری اول - رسول سوسفطائی دوم - حمید ایرانپور و علیرضا ده‌بزرگی مقام سوم را کسب کردند. در قسمت کودکان - حمید بهارزاده اول - محمدیاری بخت دوم و محمدرضا شجاعی مقام سوم را کسب کردند. در قسمت کودکان دختر - محبوبه سوسفطائی اول شهره حسامی دوم - نسرین تاج شجاعی و فریبا سوسفطائی مقام سوم را کسب کردند.

روستایان



چند نکته درباره خلاصه نویسی کتاب برای روستاها

۱- خلاصه‌ی کتاب بهتر است حدود یک دهم اصل کتاب باشد.

۲- منظور از خلاصه نویسی حذف قسمتهایی از یک کتاب و یا انتخاب قسمتهایی از یک کتاب یا نوشته نیست، اگر چنین کنیم در واقع کتاب خلاصه نشده بلکه گلچین شده است. بسا اید توجه داشت که در خلاصه کردن مانند کوچک کردن یک عکس بدون اینکه هیچ یک از قسمت‌های اساسی حذف شود، مطالب بطور فشرده خلاصه گردد.

۳- در خلاصه نویسی باید دو قسمت به مطالب خلاصه شده اضافه شود که این دو قسمت عبارتند از مقدمه و نتیجه. در مقدمه ابتدا مشخصات کامل کتاب، شامل عنوان و نام نویسنده و مترجم و تاریخ چاپ و تعداد صفحات و نام ناشر ذکر می‌شود. باید گفته شود که دلیل انتخاب کتاب مورد نظر برای خلاصه کردن در میان سایر کتابها چه بوده است و همچنین روشی که در خلاصه کردن کتاب مورد استفاده قرار گرفته ذکر شود، مثلاً برای خلاصه کردن کتاب بعضی‌ها عادت دارند ابتدا یکبار از اول تا آخر کتاب را میخوانند و بعد خلاصه میکنند و بعضی نیز از همان اول صفحه به صفحه خلاصه میکنند و برخی نیز روشهای مخلوط را انتخاب میکنند؛ ضمناً در مقدمه باید ذکر شود که خواندن و خلاصه کردن کتاب چند ساعت بطول انجامیده و باید توجه داشت که هیچ گاه مقدمه بیشتر از یک صفحه نباید باشد.

در نتیجه نویسی هم توجه به چند نکته ضروری است اول این که بگویید از کتاب خوشتان آمده یا نه، و آیا بر خود شما یا رویدادهای کتاب از ابتدا تا انتها بطور یکسان خوش آیند یا ناخوش آیند بوده و یا اینکه قسمتهایی از آنرا پسندیده اید و قسمتهایی را پسندیده اید. همچنین اگر کتاب اثرات آموزشی خاصی در شما بجا گذاشته باشد در نتیجه نویسی ذکر گردد. مثلاً اگر در زمینه‌ی اطلاعاتی داشته اید

(ورق بزنید)

زندگی - نامه‌ی من

خانواده من پنج نفر جمعیت دارد، دو پسر و یک دختر با پدر و مادرم زندگی می‌کنیم.

روزهایی که بمدرسه نمی‌رفتم گاهی بدنبال گاو و گوسفند و الاغ و بز مردم میکشتم و اگر کوه نمی‌رفتم دورخانه‌ها بازی میکردم و به این تپه و آن تپه رفته و بازی میکردم و بیاد مدرسه نبودم.

بعضی روزها بدنبال گنجشکان حرکت کرده و آنهارا اذیت میکردم و چند تا از آنهارا شکار می‌نمودم، شبها خسته کنار مادر بزرگم بروی زمین می‌فتماد و به قصه‌های او گوش میدادم.

ده من کلک نام دارد و در میان جنگل قرار گرفته است گاو، گراز، خرس، روبه‌ساز و همه نوع حیوانات در اطراف آن آشیانه دارد. بیشتر وقت‌ها مردم حیوانات وحشی را شکار میکنند و می‌خورند. آبی که ما می‌خوریم از رودخانه و بر از گردو خاک و همسایه نفت است، در ده ما حمام نیست و یک سال، یک سال، آب قد بدن افراد غیر از سه ماه تابستان ماشین به ده ما نمی‌آید.

مدرسه مادر طرف شمال ده واقع است و سه اطاق دارد که از گل و سنگ و چوب درست شده است. تا کلاس سوم به دهی که تقریباً یک کیلومتر دور تر از ده ما بود میرفتم، چون در ده ما تا سال قبل مدرسه نبود.

صبحگاه از خواب بر میخیزم

(ورق بزنید)

زندگی‌نامه‌های رسیده

از روستاهای استان گیلان

روستای چنکریان رضوانده
دستان دقیقی

- ۱- لیلایه‌یدا کلاس پنجم
- ۲- غلامحسین مهری
- ۳- مریم غلامرضائی
- ۴- گل مریم مهری
- ۵- محبوبه یوسفزاده
- ۶- ناصر عزیززی
- ۷- جمشید فتحی‌پور

روستای ویرمونی، آستارا
دستان پهلوی

- ۱- شاپور مرجبا
 - ۲- اسم ندارد
- روستای تنگده هشتپر طوالش
دستان تنگده

- ۱- احدالله بهاری کلاس سوم
- ۲- محمدناصر اشرف‌طالشی
- ۳- مهری جهانی
- ۴- عظیم بهاری
- ۵- عسکر بهاری
- ۶- محبوبه آزادی
- ۷- بندعلی کیانی

از روستای جوکندان، هشتپر
طوالش دستان پرتوی

- ۱- وجیه‌الله برزده‌کار کلاس چهارم
- ۲- جمیل قدرتی
- ۳- مجید دشت‌پیما
- ۴- عظیم به‌روح
- ۵- فریدون زورمند
- ۶- القات فلاح
- ۷- سید فایع غفوری
- ۸- هوشنگ جوانمرد
- ۹- احسن‌الله اصغرزاده
- ۱۰- جابر عبدی
- ۱۱- عوض عبدی

(ورق بزنید)

چند نکته درباره خلاصه نویسی کتاب

برای روستاها

(بقیه از صفحه قبل)

و خواندن آن کتاب به معلومات شما افزوده یا با کاستن از مجهولات شما اطلاعات ناقصی را که از مطلبی داشته‌اید، تکمیل کرده این موضوع را ذکر کنید و نیز اگر مطالعه‌ی این کتاب حرکت ذهنی تازه‌ی در شما پدید آورده و شمارا به مطالعات تازه‌تر و اندیشه‌هایی جدیدتر برانگیخته باید ذکر شود. مهمترین قسمت در نتیجه نویسی و بطور کلی در خلاصه نویسی کتاب، ارزیابی و نقد و بررسی کیفیت کتاب است که عقیده‌ی مطالعه کننده نسبت به مطالب کتاب بصورت موافق یا مخالف یا موافق مشروط ذکر میشود و شیوه‌ی نگارش در میان مطالب بصورت خوب یا بد یا متوسط ذکر میشود. در مورد کتابهای داستان باید مشخص کرد که سیر رویدادها در کتاب به چه صورت است. مثلا به رابطه‌ی علت و معلولی توجه شده و فعالیت‌های قهرمانان کتاب ممکن و قابل وقوع است، یا اینکه سیر رویدادها بر مبنای روابط اعجاب انگیز و قضا قدری تکیه دارد، و قهرمانان کتاب بطور کامل خوب و یا بد هستند، و هیچ‌گاه نیازی به کسب تجربه در زمینه‌ی ندارند و فعالیت‌ها غیر قابل وقوع و حوادث در فرار از واقعیت هستند و نیز هدف قهرمان چگونه است. آیا تلاش او برای هدفی شخصی و برای خود است یا اینکه در بی‌هدفی اجتماعی و برای رفاه دیگران کوشش میکند. ذکر این نکته ضروری است که در نتیجه نویسی محدودیتی وجود ندارد و میتوان چندین صفحه برای آن منظور داشت.

تهیه‌ی یک خلاصه کتاب خوب میتواند به ایجاو هماهنگی میان اندیشه و قدرت بیان مدد رساند و تمرینی باشد برای ذهن و زبان خلاصه‌گر.

کتابخانه‌ی روستا



زندگی نامه من

(بقیه از صفحه قبل)

و بمدرسه میروم و بیشتر وقت هم معلم زودتر از ما سر کلاس حاضر میشود. از ساعت هفت صبح بمادرس میدهد تا ظهر، و از ساعت یک بعد از ظهر. او خیلی خوب درس میدهد، ما او را دوست داریم کلاس ما ۳۲ نفر دانش آموز دارد که در پنج کلاس تقسیم شده اند.

در داخل کلاس ما تمثال شاهنشاه - ولیعهد - شهبانو فرج - اشرف پهلوی و نقشه ایران و اشکال هندسی و شکل قلب بدیوارها نصب شده و پرچم سه رنگ ایران که در سردر مدرسه زده شده است از دور معلوم است.

ما برای تفریح به جاهائی که بلند باشد، مانند سر کوهها میرویم، بازیهای که ما میکنیم، قطور - توپ بازی - لنگ کشک - کبریت بازی - دستمال بازی - روباه، روباه و نخ و سوزن است.

عقیده من در مورد استخراج عطسه، کف بینی، هیچ نیست و من باور نمی کنم، بعضی از مردم این حرفها را می زنند ولی دروغ میگویند.

مراسم عروسی در ده ما اینطور است که اول یک نفر از خانواده داماد بخواستگاری عروس می رود و بعد لباس برای عروس میبرد و اگر موافقت شد چند سال برای پدر عروس مجانی کار میکند، در هنگام عروسی داماد راجائی که آب زیاد داشته باشد میبرد و او را شستشو میدهند و بعد او را سوار بر اسب میکنند و شب هم حنای بندند و هر کس باندازه نرودش در عروسی شایاش میدهد و عروسی تمام میشود.

دلهم میخواهد برای زندگی نامه ای که می نویسم چند کتاب از قبیل قصه های آذربایجانی، گل اومد بهار اومد، ترانه های کودکان جایزه بگیرم.

راه علی پارسائی دانش آموز کلاس چهارم دبستان عشایری کلک ایل دشمن زیاری فارس

زندگی نامه های رسیده

(بقیه از صفحه قبل)

از روستای اسالم (کارخانه چوب بری)، هشتپر طوالت دبستان ۲۵ شهریور

- ۱- طیبه حسینی
- ۲- حوریه منادی
- ۳- مهین دخت سعیدی
- ۴- فریبا نیکو

از روستای عباس آباد، آستارا، دبستان سرباز

- ۱- رفیقه خسروی عنبران
- ۲- ناصر هویدا

از روستای طولارود، هشتپر طوالت، دبستان دولتی اقبال

- ۱- گلناز زمانی کلاس چهارم
- ۲- زهرا نبوی

از روستای حره، سیستان و بلوچستان

- ۱- درناز آرزو کلاس چهارم
- ۲- احمد براهوئی
- ۳- خدیجه براهوئی
- ۴- رحمت علی یاسین زاده پنجم
- ۵- نازی بی براهوئی پیر نیا
- ۶- ممصومه سارائی سوم
- ۷- عزت صیادی چهارم

از میرجاوه، سیستان و بلوچستان

- ۱- یار محمد ریگی
- ۲- عبدالقیوم ریگی
- ۳- دانش حسین سرگزی
- ۴- داد محمد ریگی
- ۵- اسحاق جانمیر ریگی
- ۶- محمد ظریف ریگی

از کارواندر بخش خاش سیستان و بلوچستان

- ۱- اسماعیل افسا
- ۲- ابراهیمی عبدالقادر
- ۳- محسن الدین براهوئی آژدری
- ۴- هیبت مشکی

از سعید آباد بخش حومه زاهدان سیستان و بلوچستان

- ۱- محمد عیسی آسوده
- ۲- نظر الله حسن زهی
- ۳- زرین تاج فتاحی
- ۴- حبیب الله قلندر زهی



مسابقه‌ی گروه‌های موسیقی کتابخانه‌های کانون

● گروه‌های موسیقی کودکان در پارک نیاوران

بچه‌های گروه موسیقی

● اجرای مسابقات بین گروه‌های موسیقی کتابخانه‌های کانون، فرصتی بود تا با تعدادی از بچه‌های با ذوق این گروه‌ها آشنا شویم... تعدادی از آنها در این شماره مختصراً معرفی میشوند. و با تمام آنهایی که از ایشان ذکری به میان نمی‌آید، بتدریج در شماره‌های آینده آشنا خواهیم شد...

● رضارضوانی

(کتابخانه‌ی شماره‌ی ۷)
شعر و آهنگ بچه‌های نازنین را ساخته است، و سنش از سیزده سال در نمی‌گذرد. این آهنگ در مسابقه‌ی موسیقی اجرا شده، در حال حاضر او آهنگ متن فیلم «بادکنک» را می‌سازد که خودش آنرا فیلم برداری و کارگردانی می‌کند. با اینهمه از شروع آهنگسازی او بیش از چند ماهی نمی‌گذرد. (ورق بزنید)

دنیای کودکی

وقتی گل میخندد

از شوق در سینه قلب ما می‌لرزد
درد نیای ما
پاکی پادشاه
قلب گرم ما
سرشار از صفاس
آه‌های کودکی
ای دنیای پاک
ای در قلب ما

چون دریا

وقتی گل میخندد
از شوق، در سینه قلب ما می‌لرزد



آن شب می‌سر نشد، روز دیگری برای این کار در نظر گرفته شد. و بهر حال، برنامه‌های یکی از گروه‌های موسیقی کتابخانه - های کانون، در طی سه روز، به عنوان برنامه‌ی جشنی جشن هنر در کتابخانه‌های پاک و در شهر از اجرا شد.

نوازنده. آواز خوان، آهنگساز و مصنف از خود بچه‌ها هستند، و نتیجه‌ی کار آنچنانکه در طی این مسابقات معلوم شد، رضایت بخش بوده است.

این مسابقات، در مرحله اولیه طی دوروز سیام و سی و یکم مرداد ماه جاری در پارک فرح کتابخانه مرکزی کودک انجام شد، و پنج گروه به پای فینال رسیدند.

که در میان اعضای هیئت داورى به نام‌هایی مثل ثولین و نهمین باغچه بان برمی‌خوریم.

برنامه‌ی فینال در کسترهای کودکان روز اول شهریور ماه در آمفی تاتر پارک نیاوران به مرحله‌ی اجرا درآمد.

در این روز همچنین ارکسترهای دیگر نیز برنامه‌های خود را برای جمع‌کشی که کرد آمده بودند، اجرا کردند.

در این مراسم سرکار خانم لیلی امیر ارجمند مدیر عامل حضور داشتند.

به عنوان جایزه قرار بر این بود که گروه ارکسترهای برگزیده به شیراز، اصفهان، تبریز، و رضائیه مسافرت کنند. اما چون اعلام رأی نهایی در

● گروه موسیقی کانون، که در کتابخانه‌ها فعالیت مداوم دارد، به عنوان نتیجه‌ی کار چند ماهه‌ی خود، دست به ترتیب یک سلسله مسابقات بین ارکسترهای کتابخانه‌های کانون در تهران زد. لازم به توضیح است که هر کتابخانه یک گروه ارکستر متشکل از بیست و پنج نفر عضو از بچه‌های کتابخانه دارد، که این ارکسترها، زیر نظر مربیان موسیقی فعالیت می‌کنند. در این ارکسترها، رهبر،



خاطره

تو کوچمون سگ لنگی بود که چشمش هم رنگ آسمون بود ما بادست پیر از سنگ و چوب اونواز کوچمون می‌روندیم تا اون سگ مهربون یه روز از کوچما غمگین رفت جای پای لنگ اون توی کوچما بسته نقش اون رفت و بچگی‌های ما بدنبالش از کوچمون پرزد خورشید آرزوهای پاک از آسمون سینه‌سرز

آفتاب مهتاب

کوچه‌های شهر آفتاب مهتاب
پرازستاره‌های پاکه
توی باغ شب خوشه مهتاب
مثل گلی زیبا بر خاکه
آروم، آروم، خورشید میاد بالا
از پشت دیوار شب
سرمیکشه با لبهای خندان
سلام میده به گلها

تیر کمون

یه دونه کفتر از پشت بوم
پرمیکشه توی آسمون
بچه‌ی بدجنس با تیر کمون
از پشت دیوار، میپره بیرون
خیال جوجه‌های خوبش
فکر آب و دودن فراوون
هوس پرواز توی دلش
غافل از شکارچی و تیر کمون
سنگ میخوره به بالای قشنگش
میکشه پراشو بخون
جوجه‌هاش تولونه منتظرن
که بیاره دون

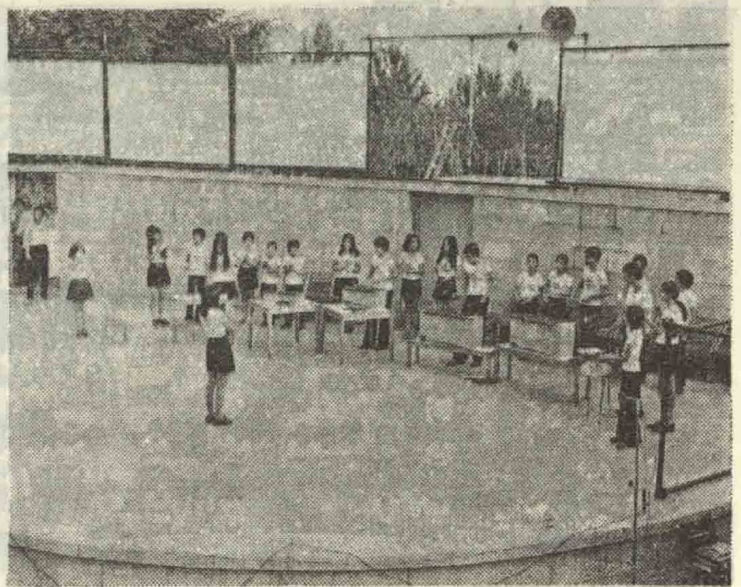
دنیای کوچیک

یه روز دنیا پر از شادی
یه روز دنیا همه غمگین
یه جاغم
دلاپر آرزو
ولی دنیا کوچیکه
آفتاب و مهتاب سپید و سرخه
آسمون هر جا به همین رنگه
یه جاغم
دلاپر آرزو

ولی دنیا کوچیکه
شعرها از: حمید حمزه

قصه

گلای باغچه
سرخ و سفیده
خورشید از پنجره سر کشیده
مرغک از قفس
توی آسمونا
بسوی آشیان پر کشیده
مرغک آزاد
غافل از شکارچی آسمان
غم‌دانش تو نگاهش مثل مهتاب
من میدانم میریزه غم دل بر آب



گروه‌های موسیقی کودکان در پارک نیاوران

بچه‌های گروه موسیقی

(بقیه از صفحه قبل)

● مهدی مؤذن

(کتابخانه‌ی مرکزی)
پانزده سال دارد، و تاکنون سی آهنگ ساخته است. برای یک آهنگ خود، تصنیف هم سروده که «آرش کمانگیر» نام دارد. قبل از کلاس‌های موسیقی کتابخانه‌ها، در گروه‌های دبیرستانی و فیزیک کلاس تلویزیون شرکت می‌کرده است. اتمام سازهای ارف کلاس موسیقی کانون و تاج‌دودی ملودیکا و فلوت را می‌تواند بنوازد.

● علی باقری

(کتابخانه‌ی مرکزی)
نزدیک به هفده سال دارد، دو آهنگ تا بحال ساخته است، یکی برای آواز دسته جمعی (گرس)، و یکی برای ارکستر. شعر آهنگ اول را نیز خود سروده است. تمام سازهای کلاس موسیقی را می‌نوازد، به اضافه‌ی ملودیکا و فلوت.

● مرتضی رضایی

(کتابخانه‌ی مرکزی)
تا بحال چهار آهنگ ساخته و هفده ساله است. یکسال است از کلاس موسیقی کتابخانه استفاده می‌کند. سازهای ارف، سازهای ضربی، و ملودیکا را بخوبی می‌نوازد.

● علی علی‌نژاد

(کتابخانه‌ی شماره یک)

برای اولین بار شعری بنام «شادی» بر روی سنفونی نهم بتهوون ساخته است، سه سال است که تصنیف می‌سراید. همچنین یک شعر نیز بر روی سنفونی چهل موزارت تنظیم کرده، و شعر «پریا» را بر روی آهنگی ساخته‌ی بهمن مقدم ساخته است. ستاریست و کارگردان فیلم «بوق» است. در سال ۱۳۵۰ خیرنگار کتابخانه‌ی شماره یک در فستیوال فیلم‌های کودکان بوده است. او ۱۶ سال دارد.

● بهمن مقدم

(کتابخانه‌ی شماره یک)
پانزده سال است، و تاکنون پنج آهنگ ساخته است. یکسال است که شروع به آهنگسازی کرده است. بهترین آهنگ خود را «پریا» می‌داند. با سازهای ارف نوازندگی می‌کند.

● علیرضا کاویان

(کتابخانه‌ی شماره چهار)
پانزده ساله است، یک آهنگ ساخته که هنوز نامی ندارد، با نقاشی نیز آشناست.

● رضا خزانلی

(کتابخانه‌ی شماره چهار)
چهارده سال دارد. دو آهنگ ساخته که شعری را نیز خود سروده است. این آهنگ «کودکان» نام دارد. به علاوه بر روی آهنگی از باخ نیز شعر گذاشته است. فلوت، ملودیکا و سازهای ارف را می‌نوازد.

● غلامرضا لردگویی

(کتابخانه‌ی شماره شش)
آهنگ‌های زیادی تا بحال ساخته است که یکی از آنها در مسابقه‌ی موسیقی اجرا شد. یک آهنگ دیگر بنام «مرغ زیبا» با شعر خود او نیز اجرا شده است. با او کزنوفون نوازندگی می‌کند.

● مرتضی لردگویی

(کتابخانه‌ی شماره ۶)
چهارده سال دارد، و یکماه است که آهنگی بنام «لرد» ساخته است. از آغاز کلاس‌های موسیقی از این کلاس‌ها استفاده کرده است، با سازهایی مثل اوکزنوفون - سرپرانو نوازندگی می‌کند.

کارنامه

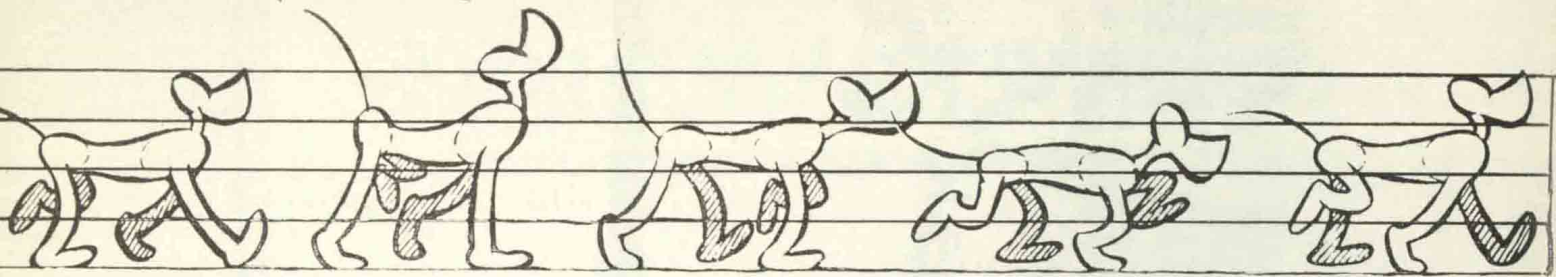
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

اخبار داخلی
از انتشارات روابط عمومی
تلفن ۸۲۷۰۶۶
شماره ۶ (دوره پنجم)
شهر یورماه ۱۳۵۱

چاپخانه‌ی مصور
تلفن ۳۱۴۰۶۵
گراور سازی پاسارگاد
تلفن ۳۹۱۷۱۸

ساختن فیلم «نقاشی متحرک»

به وسیله‌ی بچه‌ها



نوشته‌ی ایوون اندرسن ترجمه‌ی سوسن رفیعی

۶

هنگامیکه فیلمبرداری در اطاقی تاریک انجام می‌گیرد، باید از این چراغها استفاده شود ولی زمانیکه فیلمبرداری در هوای روشن و خارج از اطاق انجام شود و فیلم‌های مخصوص نیز بکار رفته باشد دیگر احتیاجی به چراغهای پایه بلند نخواهد بود.

نورسنج از دستگاه نورسنج نیز بمنظور اندازه‌گیری نوری که جهت فیلمبرداری لازم است استفاده میشود. البته در موقعیکه دوربین دارای چشم الکتریکی باشد، دیگر احتیاجی به نورسنج نخواهد بود.

عامل نور در فیلمبرداری

اگر شما در یک روز برفی از خانه خارج شوید، برای آنکه نور شدید فضای خارج را تحمل کنید، مجبور هستید چشمهایتان را ببندید ولی در اطاقی تاریک چشمها را کاملاً باز میکنید تا بتوانید بوضوح اشیاء را ببینید. حلقه‌ی دیافراگم در روی دوربین نیز کاملاً چنین عملی را انجام میدهد. یعنی اگر به هنگام فیلمبرداری نور زیادی وجود داشته باشد حلقه‌ی دیافراگم دوربین بسته میشود، در حالیکه اگر نور کافی وجود داشته باشد حلقه‌ی دیافراگم باید باز شود.

در صورتیکه دوربین شما دارای

چشم الکتریکی باشد، حلقه‌ی دیافراگم خود بخود باز و بسته خواهد شد. ولی اگر چشم الکتریکی وجود نداشته باشد، دیافراگم را باید بوسیله دست باز و بسته نماید.

در روی حلقه دیافراگم علائمی موجود است که از شماره‌ی ۶ - ۱ شروع میشود، در این حالت دیافراگم کاملاً باز است و هنگامی که نور باندازه‌ی کافی وجود نداشته باشد، از این درجه‌ی دوربین استفاده میشود.

در جات حلقه‌ی دیافراگم به ترتیب تا ۸ - ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ۱۱ و ۱۶ و ۲۲ تغییر می‌یابد. با درجه‌ی ۲۲ تقریباً دیافراگم بسته است و هنگامیکه نور زیادی وجود داشته باشد از این درجه دوربین استفاده میشود.

اگر از دوربینی استفاده می‌کنید که دارای چشم الکتریکی نباشد، آنگاه به یک نورسنج جداگانه احتیاج دارند

نورسنج‌ها در انواع مختلف یافت میشوند و مراحل گوناگونی نیز برای بکار بردن آنها موجود است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- حلقه‌ی فیلم را در درون دوربین جای دهید. در داخل حلقه‌ی فیلم طرز بکار بردن آن مشخص و همچنین شدت و کاهش نور لازم بوسیله‌ی درجه ASA در دوربین معلوم شده است به این معنا که ارزش پذیرش نوری فیلم را با ASA مشخص می‌کنند

اگر این درجه بر روی ۲۵ قرار گرفته است، صفحه ASA نور سنج را نیز بر روی ۲۵ باید قرار داد.

۲- سرعتی را که دوربین بکار میرد اندازه بگیرید، در کنار دوربین صفحه‌ی هست که برای این منظور، کار گذاشته شده است. در فیلمهای کارتون معمولاً از دوربین‌های تک فریمی استفاده میشود.

۳- نورسنج را بر روی کاری که میخواهید فیلمبرداری نمائید بتایبند، با منطبق شدن عقربه‌های نورسنج، هر شماره‌ی که در امتداد صفحه‌ی نور سنج قرار گرفت، شماره‌ی صحیحی است که باید درجه‌ی دیافراگم دوربین نیز بر روی آن قرار بگیرد.

۴- اگر شما هنگام فیلمبرداری از نور چراغ استفاده می‌کنید باید از لامپی استفاده کنید که بتواند نور مناسب و لازم را در برداشته باشد، مثلاً در فیلمهای ۱۶ میلی متری اکتاکروم مثبت باید از لامپ ۲۵ وات استفاده شود.

طرز قرار گرفتن دوربین در روی زمین را که بر روی سه پایه قرار گرفته است، بر روی اثری که میخواهید فیلمبرداری کنید بر روی میزی قرار گرفته است، مسلط گردانید. موضوع فیلمبرداری باید کاملاً در روی میز محکم قرار گیرد تا در موقع فیلمبرداری تغییر جهت ندهد. آنگاه از درجه دوربین نگاه

کنید تا مطمئن شوید که موضوع کاملاً در وسط میز قرار گرفته است. اغلب دوربین‌ها کمی بیشتر از آنچه که شما از درجه‌ی دوربین مشاهده می‌کنید فیلمبرداری می‌کنند، بخصوص زمانیکه دوربین در فاصله‌ی ۱۸ اینچی قرار گرفته باشد. از این جهت باید در هنگام قرار دادن دوربین و فیلمبرداری به این نکته توجه نمائید. غالباً قسمتهای اضافی در تمام اطراف صفحه‌ی که میخواهید فیلمبرداری نمائید در

حدود سه چهارم اینچ است. برای اینکه بتوانید از موضوع فیلمبرداری با کادر کوچکتری فیلمبرداری کنید لازمست که دوربین را به آهستگی از بالا بطرف پائین حرکت دهید و بسمت موضوع فیلمبرداری نزدیک نمائید. قسمت‌های اضافی میز را با پارچه و یا کاغذی سیاه رنگ بپوشانید.

تمرکز در کانون دوربین اگر دوربین شما دارای جزئی بنام تنظیم مستقیم تصویر از پشت لنز باشد، می‌توانید با چرخاندن حلقه‌ی که بمنظور تنظیم فاصله‌ی دوربین است، موضوع فیلمبرداری را به خوبی و روشنی از درجه‌ی دوربین مشاهده کنید. و اگر دوربین از فاصله‌ی کمتر از یک متر و نیم نتواند موضوع فیلمبرداری را در کانون خود متمرکز گرداند باید یک عدسی کلوز آپ که بمنظور بزرگ کردن اشياء بکار میرود، به دوربین اضافه کنید. (ادامه دارد)

